

رسید بگیرد و اگر دقیقه دو ... تأخیر نماید
از هیچگونه مواخذه و مجازات مد حق او فرو
گذار نخواهد شد منتظرم سریباً نتیجه اقدامات را
در آسودگی واسترداد و اموال نجار اطلاع دهید
وزارت داخله

حاشی اغتشاش کارزون یا نتیجه نبودن فر. انفرما
(در فارس)

اولین آثار خرابی شهر قدیم که امروزه قصبه
تجارتی و دارای اهمیت زراعتی و بواسطه خصب و
نماء اراضی آن مشهور بشهر سزا است. همان سد
عبور و مرور قوافل باید دانست. پست کاذرون
بسی بی ترتیب و بی نظم میباشد که نمی توان آنرا بیچ
دهی نسبت داد. وضع خطوط پستی کاذرون مانند
قراء دشت و حومه دشتستان گردیده باین معنی خطی
که از شیراز یا بوشهر بعنوان اهالی بعد از مدت
مدیدی میرسد بکوله یثقی بکارروائی می آورند.
خصوصاً که از کاذرون برای هر جا میرود ورود و
وصول غیر معلوم است

هوای روح افزای کاذرون که نمونه حلکهای
قشنگ (سویت زولند) در کنار دریاچه های لوسرن
و زوریج است. از کثرت جهالت و طمع روساء محل
و وحشیگری اهالی و تراکم درد تیر و تفنگ اشرا
باندازه کسب عفت نموده که ضررش کمتر از بلای
طاعون و وبا نیست. از بی توجهی و نبودن شخص
کافی شی نیست که چهار پنج خانه و دکان به یغما و
غارت اشرا معروف اعجا نرود. شها صدای تفنگ
و ووله بگیر و به بند اشرا گوشها را کر و خواب
از چشم بزرگ و کوچک دور نموده است

در اینموقع که مباشرین امور بایستی راحت از
خود دور نموده چاره در آسودگی مردم و رفع
آشوب و استقرار امنیت نمایند بر عکس در ازدیاد
آشوب و فتنه و فساد میکوشند

کلانتر با فرهنگ وقت را مفتنم دیده با محمد
رضا نامی داماد برادرش نایره نزاع وجدال مشتمل
ساخته راحت و امنیت را از شهر سلب نموده اند.
اشرا بیکه دور و حوالی این دو نفر جوان مغرور
گرفته اند مرتکب هزاران بی ناموسیها بی شرفیهای
خانه بر انداز میشوند. مردمان دهات اطراف چون
اهالی را بخود مشغول دیده روز روشن موافقی و

دواب که در اطراف و مراعی مشغول چریدن و
با لبان استمداد قرین صاحبان وحشی بی شرف
خود هستند نهب و غارت می نمایند

دو شب قبل در یکی از محلات مشهور بمحله
(کوزه گران) اشرا بیک نفر بی گناه را بضرب کلوله
از پا انداختند. دیروز عصر جماعتی از طایفه (بیکش
معنی گوسفندان یکی از افشارها را غارت نموده
دو نفر مستحفظین گوسفندان یکی را مقتول و دیگری
را مجروح نمودند

دو شب قبل چهار دکان و سه خانه در محله
مصلی غارت نمودند

کلانتر مرتکبین این امور را اشخاص طرف
خود میداند ولی طرف مقابل این کارها را نسبت
باعمال تابعین کلانتر میدهند

غلامعلی آقا یعقوب که شریف ترین اشرا و با
حسن نامی در فساد شریک بودند این روزها
بواسطه سوء قصدی که بحسین داشته گرفتار و محبوس
حسین گردیده بعد از وقوع این قضیه جماعتی از
اوماش محله مصلی بهرامی داروغه شبانه بمحله بازار
ریختند. چون چاره اشرا نموده بجان جماعتی از
کسبه و محترمین اهل بازار افتاده پس از غارت
چندین خانه چند نفر معروف بی طرف را گرفته دو
روز حبس کرده بعد بحضور کلانتر بردند کلانتر هم
ترحمآ آنها را رها نمود

با وجود آنکه پیوسته از شیراز تلگراف به
تهدید اشرا و کلانتر که سبب اغتشاش بوده اند
رسیده لیکن چون مردم این زمان اعتنائی بلنظ آنها
ندارند آنها هم متقاعد نگردیده دست از شرارت
برداشته اند (مظلوم بیکس)

خلاصه ترجمه اخبارات خارجه

(راجع بایران)

جراند انگلستان برسپیل عموم طرفداری میبایند
دوات ایران را در رد استقراض دولتی روس و
انگلیس و تصدیق دارند که هیچ ملت با شرف و
دولت مستقلی ولو هر قدر لاملجاً باشد چنین شروطی
را برای این قلیل وجه منظور نمی نمود. و ملامت
میکنند دولت خود را که در همراهی با روس چنین
شروطی را که ماحی استقلال یک سلطنت آزاد میباشد
دعوی دوستی با او می نماید و خویشان را حافظ

استقلال او می‌بنداریم پیش ناید و تصدیق می‌نمایند که این طریقه دوستی و جلب منافع اقتصادی نبوده بلکه مبنی بر جلب منافع پلیدی بوده است

برخی از جرائد سیاسی انگلستان برده از روی کار برداشته حکومت حاضره انگلیس را متنبه کرده میگویند که این سکوت و صمت بلکه همراهی شفاهی انگلیس بروس نه تنها برای ایران مضر است بلکه صاف کردن راه روس هندوستان و مستعد ساختن اوست بجنک انگلیس، (آری همین نکات را از چهار سال باین طرف جیل المذین رجال انگلستان را متذکر می‌ساخت)

و نیز اخبارات و ارباب سیاست انگلستان میگویند و مینویسند که دولت انگلیس دستی یک رقیب تازه در وسط آسیا برای خود تراشید و آت حسن خلقی که ایرانها در حق دولت انگلیس داشتند از همراهی بروس یکدفعه تبدیل بسوء ظن گردید، اگر ایرانیان از دولت انگلیس مأیوس نشده بودند هرگز واجب با اتحاد با آلمان نمی شدند و با این سلوک خود مان ما هرگز ایرانیانرا نمیتوانیم ملامت نموده و یا به یونانی و حقوق ناشناسی سبب دهم

بسیاری از جرائد انگلستان استغفای وزرا را از فشار روس و انگلیس مینویسند که وزرا یک طرف در فشار مجلس اند و از طرف دیگر در فشار دولتمن و هرگاه این وضع باقی ماند همراه ناچار باستمنا خواهند بود، اگر این کابینه تبدیل شود برای روس و انگلیس بهتر نخواهد شد

دلیل تلگراف مینویسد که علت استغفای وزرا آنچه ظاهر گردیده این است که بعضی از اعضای کابینه محل اعتماد دولتمن روس و انگلیس نمیباشند، ازین امر ظاهر میگردد که دولتمن با اشارات سیاسی دارند در عزل و نصب وزرای ایران دخالت می نمایند، چنانچه سردارین رضا داده که استغفای خود را باز گیرند مشروط بر آنکه آنها آزاد باشند در انتخاب سایر وزرا بجل خود، عقیده وزراء اعتدالیون این است که امروزه وزرا باید از اشخاصی معین گردند که محل اطمینان روس و انگلیس باشند (اگر این بیان قرین بصواب باشد معانی بسیار دارد) میگویند که سردارین اظهار داشته اند که در کابینه که صنیع الدوله باشد کار نخواهد کرد و اول آنکه

صنیع الدوله خود سر و بدون مشاوری سایر وزرا کار میکند، دیگر آنکه دولتمن را اعتماد بآن کابینه حاصل نخواهد شد که صنیع الدوله در آت باشد (این هم اگر مقرون بصواب باشد معمای لایحل است)

دیگری از جرائد می‌نویسند که پای آلمان را دوا بران دراز نموده است جز آقا میرزا محمود خان احتشام السلطه که ساداست سنیر برلن و رئیس دوم مجلس شورای اول ایران و صنیع الدوله رئیس اول مجلس که در برلن تعلیم و تربیت یافته، و امروزه اینها در ایران رئیس فرقه احرار شناخته می‌شوند، و (جبل المذین مخلص هر دو میباشد)

جرائد انگلیسی بعد از طرفداری کامل از ستارخان سردار و باقرخان سالار دولت انگلیس را ملامت می‌نمایند که چگونه با دولت روس شرکت نموده و فشار بر آنها آورده از تبریزشان بیرون ساختند و تکذیب می‌نمایند جرائد روسیه را که می‌نوشته سردار و سالار تابع اوامر حکومت نمیباشند آمدن ایشان بطهران دال است که در اطاعت اوامر حکومت مخالفتی نداشته، مخالفت آنها فقط در مقابل قشون روس و قیامشان در ایران بوده است، در این صورت دولت انگلیس نباید با خیالات روس همراهی نموده و فشار بدولت جدید بیاورند که جداً سالار و سردار را از آذربایجان جلب نمایند، با نزاکت تر از همه آنکه جرائد انگلیسی از جرائد روسیه نقل مینمایند که ورود سردار و سالار در طهران مورت تشویش روسیان شده و همین امر اسباب مرید توفیق روسیان در قزوین خواهد گردید.

جریده (فلات) می‌نویسد که سفرای دولتمن روس و انگلیس باخراج سردار و سالار از آذربایجان راضی نشده کوشانند که ایندو وجود را از خاک ایران خارج نمایند، چنانچه در این باب بدولت ایران فشار آورده دولت هم چاره خود را منحصر این دیده (محض اینکه ملت بر خلاف دولت نشورد و بحمايت سردار و سالار برنخیزد) متمسک بحضرات روحانیین عراق عرب شده اند، چنانچه درین باب تلگرافی به آیه الله آخوند خراسانی که رئیس مذهب شیعه میباشد شده و خواهش شده بود که باسم دادن صندوالمصل، شفا، سردار و سالار را قبل از ورود

بپهران به نجف جلب نمایند ، ولی این تلگراف وقتی به نجف رسید که سردار و سالار وارد پهران شده بودند، و دایل این امر این است که روزنامهجات روسیه مینویسند که طرد سردار و سالار بخاک عنای مضر سیاست روس و ممکن است در آینده مشکلات بزرگ برای روس و ایران در سرحد تولید شود، پس اگر دولت جدید دوستی روس را طالب است باید سردار و سالار را تحت الحفظ در یکی از سرحدات روسیه نگاه دارد، چرا که انگلیسی بر این نگارشات خیلی سخت اعتراض نموده دولت انگلیس را درین همراهی روس شایسته و ملامت نموده میگویند که بزرگترین صدمه که استقلال ایران وارد تواند آمد این گونه دخالتهاست که از زیر زبر دولت روس و انگلیس می نمایند .

چرا که آلمان می نویسد که دولت آلمان نیم روسی از دولت روس برش نموده که قشون خود را کی از ایران بیرون خواهد برد ، و دولت روس در جواب اظهار داشته که توقف قشون روس در ایران بر حسب میل و خواهش دولت جدید است ، چه دولت جدید مقام خود را در برابر احرار مستحکم نمی بیند این خبر احرار را مجوش و خروش آورده ، داسته اند که تا این کابینه روی کار باشد قشون روس و انگلیس از ایران خارج نخواهد گردید ، و خوف از این دارند که حکومت برای حفظ مقام خود بهانه بدوای برای قیام دائمی قشون آنها بدهد چنانچه از ابتدا که سردارین وارد پهران شدند یعنی قبل از افتتاح مجلس کوشان باستقراض شده و تا آخر هم راضی بقبول شرایط دولتین بودند ، چه متمم آمان را قبول این شرایط برای همیشه محکم می ساخت و یکی اگت روس و یکی اگت انگلیس هماره بر قرار می ماند ، و در قبول این شرایط استقراض هم دقیقه فرو گذار نگردند ، تا جائیکه بکلی دست از هم برداشته تا پشت دروازه پهران و اصفهان هم بتاراج رت ، ممالک دور از مرکز که حای خود دارد ، این پیش آمدها محض این است که ضرورت استقراض را نابت و در قبول شرایط آنان خویشان را ناچار بگویند ، احرار این نکته را فهمیده یک پا استفاده استقراض از دولتین را رد کردند ، و سعی به تبدیل حکومت هستند ، چون چارسد نفر از

احرار در کابینه شامل میباشند حکومت موجوده سعی است که در پشرفت مقاصد خود احراریکه در کابینه موجودند مستغنی سازد تا مسئولیت را کاملاً ذمه خود گرفته آنچه می خواهند بنمایند ، این کشاکش ظاهراً بین احرار و اعتدالیون است ولی در باطن بین آلمان و دولتین روس و انگلیس میباشد ، اخبار یونین مینویسد که اوضاع ایران روز بروز مشکل تر می شود حکومت جدید را دو فشار عظیم نزدیک است از هم متلاشی سازد ، یکی فشار همسایگان ، دیگر فشار احرار ، ملتبان ملاحظه میکنند که نفوذ همسایگان همه روزه زیاد می شود ، تا جائیکه عزل و نصب وزرا و حکام و جلاء وطن دادن و گرفتن و بستن تمام باشارات سری و علنی همسایگان است ناچار فشار به کابینه می آورند و هرگاه حکومت تابع میل احرار شود دولتین اعتماد خود را از آنها مرتفع داشته و این امر را حاتمه ریاست خود تصور میکنند ، حکومت موحوده ایران باندازه مرعوب همسایگان گردیده که نمیتوانند جلوگیری از اقدامات سری و علنی آنها کنند ، چنانچه نمایندگانت دولتین بدون عایق و مانع با ارباب قوت و نفوذ و امرا و رؤسای عشایر رابطه حاصل کرده هر آتش هر گره که بخوانند در هر نقطه ایران میرقصانند فرق دوره محمدعلی و این دوره این است که محمدعلی فقط ملتبان را تنها بروس می ترسانید این دوره با روس و انگلیس توأم می ترسانند ، آن دوره محمدعلی عمداً در مملکت اعتشاش می انداخت که بر عالمیان طاهر گردد ایران قابل مشروطه نیست و ایرانیان مشروطه نمیخواهند ، ولی این دوره تعلل در فرستادن استعداد و حکام می نمایند تا کارها خود بخود و از روی طبیعت درست شود ، مشکل این است اگر وزرا زحمت کشیده مملکت را امن نگاهدارند یکی مقام خود را متزعزع می نمایند و دیگر برخلاف مرضی دولتین عمل شده ، گویا هنوز دولتین صلاح در امنیت ایران نمیدانند ، اگر ملتبان ایران با شروط روس و انگلیس رضا باستقراض بدهند فوری ایران امن و قشون بیگانه خارج می شوند ، حکومت تازه هم آسوده می شود ، حکومت محض حفظ مقام خود پیش از روس و انگلیس سعی و جهد در استقراض از دولتین میکنند ، چه بسیار طلبه است

ایالت فارس بی حاکم ماند، شهر اصفهان که مرکز
مختاریان امنیت نیست، برخی مراتب است که هیچ
و بلی قدرت و بی پولی و با پولی ندارد، دیده می شود
که در آن هم تعلق میشود، وقتی ملاحظه شود که بین
وزرای ایران اتحاد نیست و هر يك در صد کردن
ریشه آن دیگری است و علناً میگوید اگر فلان
وزیر در کابینه باشد ما باید خارج شویم و دولتین
روس و انگلیس اعتماد بکابینه نمیتواند نمود بر
کابینه که فلان وزیر در او باشد، این بیان اعتماد
احرار را ازین حکومت مرقع میدارد.

یکی از جرائد آلمان بطور وضوح مینویسد که
مسلك آلمان نگاهداری استقلال حکومت اسلامی است
و این مسلك را آلمان بیشتر برای منافع خویش
جلب نموده چه جلب قلوب مسلمانان عالم که سوم
ملت روی زمین بشمار است آلمان را خیلی مع
تواند تحسید و این امر یکی از افکار مابلیوت
اعظم بود.

ازین گذشته آلمان دو مسلك اختیار کرده یکی
در ترقی خویش که عبارت از صنعت و تجارت
است و می توان گفت امروزه آلمان گوی مسانت
را از کلیه دول رسیده روس و سایر دول گرد اورا
توانند دید، و طبعاً این نکته آلمان را بزرگ میسازد،
مسلك دیگر او جلوگیری از ترقیات دول سایر
است در توسعه مملکت، این مسلك هم رقبای آلمان
را از ترقیات باز خواهد داشت و هم سبب ترقیات
تجارت آلمان در آن ممالک خواهد گردید و ترقی طبیعی
آلمان هم که همه روز بدون مانع و رقیب در ازدیاد
است و این امور فوق آلمانرا بر رقبای خود حتی
قرار میدهد.

مثل اینکه آلمان جلوگیری از تجاوزات و دخانیات
فرانسه و اسپانیا در مراکو نمود هم استقلال مراکو
محفوظ ماند و هم امروز منابع اقتصادی آلمان از
جمیع دول در مراکو پیش است و هم قسم است
مسلك آلمان در ایران بمقابله روس و انگلیس،
ایرانیان نباید مسلك پیش قدمی دول را فراموش
نمایند، هرگاه آلمان آنموانع را در مراکو پیش
نیآورده بود امروز مراکو در خربطه فرانس و
... آلمان شده بود، اگر امروز آلمان در

مقابل روس و انگلیس نایستاده حفظ استقلال او را
نماید مانند افغانستان و ترکستان شامل روس و انگلیس
میگردد، قشون روس و انگلیس جز به تهدیدات
سیاسی آلمان از ایران خارج نمیگردند، حالا مسلك
توجه آلمان بایران علنی گردیده عنقریب دیده خواهد
شد که قشون بیگانه ترك ایران را بگویند و ایران
که امروزه سیاستش بدست همسایگان جنوب و شمال
است دارای يك استقلال سیاسی صحیح گردد،
معلوم است که روس و انگلیس بخوشی راضی بر این امر
نخواهند شد برای باز داشتن دولت ایرانرا از اتحاد
با آلمان اورا در فشارهای سیاسی خواهند آورد،
اگر حکومت جدید ترك مرعوبیت گفته و حقان در
حیط حقوق خویش بایستد فوری دولتین سپر
انداخته محای خویش آرام و زحمت آلمان را کفر
خواهد نمود، ورنه تبدیل حکومت طالبه حتی و
بروی کار آمدن يك دولت عبر مرعوب در ایران
لازم خواهد گردید، نهایت ترقیات ایران اندکی عقب
خواهد افتاد ولی عاقبت همان خواهد شد که آلمان
خواسته و خیر ایران در اوست و و

مباحثات پارلمان انگلستان

(در مسائل راجعه بایران)

سر ادورد گری در جواب (مستر هرتس) بیان نمود
که او زیاده بر این نمیتواند توضیح داد در اخراج
قشون روس از تبریز و حامای دیگر ایران
در سوالی که من باب دج بسک آلمانی شده که
دولت ایران میخواهد از او استقراض نماید و آیا
دولتین روس و انگلیس ایران را از گرفتن این
استقراض جلوگیری تواند نمود، اظهار داشت خیره
و فعلاً نمیتوان حیالات خود را درین موضوع ظاهر
دارم تا وقتی که شرایط استقراضیکه دولت ایران
میخواهد به باید ظاهر گردد و درین باب بوشنجاتیکه
رد و بدل شده تا هفته آینده در میز پارلمان برای
ملاحظه و کلا پیش خواهد نمود

(مستر لاید) آیا دولت انگلیس تسلیم خواهد نمود
که امتیاز تعمیر راه آهن بدولت دیگر داده شود
(مستر مکین وود - معاون وزارت خارجه) من
حاضر نیستم برای جواب این مسئله عمومی و فرضی
(مستر لاید) آیا این سوال عمومی است یا فرضی
معاون وزارت خارجه - هم عمومی است و هم فرضی

(مستزاتیر) برش نمود که آیا وزیر خارجه میتواند اطلاعات خود را من باب حمله که بتونس انگلیس بین راه استهبان و شیراز شده بدهد معاون وزیر خارجه - سفیر طهران خبر داده که بانزدهم اپریل برمستر بیل قونسل انگلیس دزدان بین قشہ و آباده حمله آورده و دو نفر سواران بومی را کشته و سیر مومی الیه از دولت ایران مدد خواسته و سزای مجرمین را خواستگار شد و چنان معلوم می شود که دزدان از طاغۀ کوه کاویه میباشند . با دستور العمل وزیر داخله ابراهیم حکم بوسل استهبان فرستاده شد که دو تأیید مستر بیل رواه شود و حکومت ایران هم ندارک کرد که بختیاریان از قشہ روانه شوند، مستر بیل تاریخ هدم وارد قشہ گردید

(مستر دیلن) سوال نمود که دستور العمل کی ستار خان را حکم به بیرون شدن از تبریز دادند، آیا دولت انگلیس هم درین امر شریک بوده و همه گذارده است، علت چه بوده که او را مجبور باخراج شدن از تبریز نمودند

معاون وزارت خارجه - ستار خان مجبور شد از بیرون رفتن تبریز بحکم دولت ایران به ترغیب شورای روس و انگلیس مقیم طهران که دستور العمل از دولت متبوعه خود داشتند، این اقدام برحسب رأی سمرای ما و قوسلات تبریز لازم بود، و این امر را برای حفظ امنیت لازم شمردند چه دیده نمی شد که با بودن ستار خان و باقر خان در تبریز امنیت قائم گردد و عقیده عمومی هم باین بود . و از تابعین ستار خان و باقر خان هم اسلحه گرفتند

(مستر دیلن) آیا میتوانید اظهار دارید که بجه مسابیت این خیال بسر آنها افتاده

معاون وزارت خارجه - از تجربه نمایندگان دولت که در آنجا مقیم اند

(مستر دیلن) آیا میتوانید بیان نماید که این دو سردار چه کردند که قابل چنین سزا واقع شدند، معاون وزارت خارجه - جواب این سئوال را من در مطلب اول خود توضیح نمودم .

(مستر دیلن) آیا میتوانید بیان نمایید شروطیکه دولت روس و انگلیس برای استقراض بدولت ایران

پیش نموده بودند ؟ آیا نوشته جابیکه درین خصوص شده نمی تواند روی میز بگذارد .

معاون وزارت خارجه . چون دولت ابراهیم بآن شروطیکه پیش شده بود استقراض را رد نمود و این مسئله ختم شد، لذا رای من اینست که ارائه دادن آن نوشته جات لازم نباشد .

(مستر دیلن) آیا خبر ندارید که در اخبارات برلین و پترسبرگ جمیع شروط این استقراض را اشاعه داده اند، در اینصورت چرا درین موضوع صرفه نظر میشود .

معاون وزارت خارجه . من در سنجش این امر بودم که اگر وکلا این نوشته جات طلب نمایند در میز پارلمان بگذارم .

مستر دیلن . حال که دولت ایران استقراض از روس و انگلیس را رد کرده ، آیا دولت انگلیس می تواند باز دارد یا مساعدت کند دولت ایران را که از دولت نائی استقراض نماید، معاون وزیر خارجه . هرگز نمی تواند .

مستر ریس ؟ آیا انکشافاتی که قبل از وقت در وزارت خارجه ما میشود سبب ناکامی ما در کارها نمیکردند،

معاون وزارت خارجه - این هم از ممکنات است

مکتوب شیراز

تلگرای جناب صولةالدوله خدمت علماء اعلام طهران کردند که درج آت را در نامه مقدسه حبیل المتین بیفایده ندید ، لذا صوره دولتی آن را گرفته لفا فرستادم، دستخلمی هم که حضرت آیاه الله آقای خراسانی مد طله و صورت تلگراف مجلس مقدس دارالشورای کبری شیدالله ارکانه را هم لفا ارسال نمود ملاحظه فرمائید، بمکاتب مهربانه ولواج وطن خواهان جناب صولةالدوله را حاضر نمودم که همه قسم همراهی و معاونت با دولت جدید و حفظ استقلال مملکت و نظم و امنیت بنماید، شیدالله از وقتی هم که مجددا راه بوشهر بمعزی الیه سپرده شد تا کنون در کمال نظم و امنیت بوده و هست صوم تجار و قوافل دعا گو و کمال امتنان را دارند ولی متاسفانه و بد بختانه آنچه ما میرسیم مخالفین و معاندین و بعضی از مصادر امور که لنگت و غلت جهور را طالبند و ایها فکر نده مملکت نسنده

مساعده بجهت مخارج اردو و سورات بین راه
اصفهان و شیراز خواست محرك ملاك ميشوند كه
مالیات بيمدهم تشكيل انجمن مينمايد، مراتب و وقایع
این چند روزه و مخارات حضوری ایالت با اعیان
مملکت و اجتماع ملاکین در ندادن مالیات را وقایع
نگار برض میرساند

تسلکراف جناب صولت الدوله بهاران

(غره ع ۲ سنه ۱۳۲۸)

خدمت علماء اعلام و حجج اسلام دامت برکاتهم
در انجوع باریک و خطرناک که دنیا در نظر
لهالی ایران و ایرانیان تاریک گردیده از طول اقامت
قشون اجانب در حدود مملکت آذربایجان و دیگر
سامان از قبیل خراسان و غیره عموم ایقنات از
علمای عظام که هادیان دین و پیروان شرع مبین و
علمداران آزادی طلبان و تجار دوالز و الاحترام
و سایر اصناف از کسبه که حیثیان رب العالمینند
حسن ملیت ایرانیان را مشهور ملل متمدنه داشته
اند، ملالت و کسالت را بسرحد کمال یافته عید سعید
ملی که از لوازم قومیت و ارتباط منویت و حکام
عیش و عشرت است مبدل بسوگواری نموده اند، در
در اینصورت وجدان سلیم کدام صاحب وجدانی
اقتضا مینماید که در این بیت مقدس و صراط مستقیم
و اساس قوم باحجج اسلامیه ادام الله برکات وجودهم
و تجار محترم دامت توفیقاتهم و برادران عبور
مصیبت دار عامه ملت ایران همدرد و همدستان
نباشد، علامه و کفی بذالك علیما، بعد از استحضار
قضیه جانگداز قوه برق و برید در این بیابان بی
پایان و اطلاع یافتن از تبدیل نمودن فاطمه امصار
و بلاد حال مسرت و انتراج عیش و عشرت را به
ماتم و سوگواری از تعذبات قشون مذکور در
داخه ایران، خداوند قادر متعال را گواه گرفته
و بآنچه در نزد حضرت عزت عزیز است، قسم
یاد که کلیه طوایب قشقای تا یک قطره خون حلال
در بدن دارند هم خورد را صرف حفظ استقلال
وطن نماید و بایک همت مردانه سکه در خور
استعداد و قابلیت این طایفه از یا فرو نه نشینند دولت
مگر آنکه تمام قوی حدود و حقوق مملکت را بر
حسب استعداد وجودیه خودشان محفوظ و محروس
دارند و منطوری جز سعادت و عظمت و دولت
و ملت داشته باشند و تمام ادبیکه مبرای ناخوانده
از داخه مملکت خارج نشود از هیچگونه فداکاری
از بذل مال و جان مضایقه نخواهند داشت، و همراه
را تا اعلا درجه امکان بمرتبه کمال خواهند رسانید
چنانچه از سعادت و آسایش که محصل مقدس شود

تخیالات موهوم که شاید رخ استبداد خود سوار شوند
رشته های ما را بیه مینماید، در انجوع باریک اسباب
جوش و خروش صولت الدوله و انقلاب مملکت را
فراهم مینماید، بده حاضر کرده بودم او را که مبلغ
گزافی از خود و ایل قشقای اعانه بدولت بدهد،
عده از جوانان رشید را متحمل مخارج لباس و سایر
لوازمات بشود که بیایند در شهر یا هماغجا مشغول
مشق نظام شود و بر عده سرباز های افتخاری
و مجاهدین بیزاید، بکفنه بعض اقدامات غیر مترقبه
از اولیای امور دیده و شنیده میشود سکه ناچار
او را وادار بعض اقدامات مینماید، مثلا در این
حکام که ایالت جدید با اردو حرکت بسمت فارس
فرموده ضمیم الدوله وادر او را هم از طهران میگویند
همراه آورده مسدین که همیشه اندیشه ایشان جز
آشوب و هرج و مرج بیست وقت را تنیست داشته
آتش فتنه و فساد را دارند دامن میزند و دسیسه مینماید
سده عرض می نمایم که ضمیم الدوله را نباید
بیکاری مشغول نمود یا خدمت سوسیه رجوع نمود،
ولی ترتیبی دارد که باید از راهش بر آمد، با این
وضع که حرکت مینماید مسدین صولت الدوله را بخمال
می افکند، بنده عصمتی برای صولت الدوله متقد
نیستم، عرض نمیکم خال ریاست ندادد، ولی ایستاده
مسلم است سکه اگر صولت الدوله بخمال وزارت یا
حکومت غیر از ایل خانی گری و ریاست ایل خودش
داشت، سنه مضیه که تمام ادارت دولتی و توب و
اسباب قورخانه تصرفش بود و ده هزار نفر سوار
و پیاده اطراف و داخل در شهر داشت همانوقت
اقدام مینمود، و حال آنکه صد درجه آنوقت پیش
رفتش زیاده بود و دولت جدید استقراری داشت،
حاصل پیش آمد کارها را داعی خوب نمی بینم
بجناحه خدایه مخواستنه ایالت جدید مانند سابق
بخواهد بدستور العمل سری بعضی از اولیای امور
رفتار نماید و با صولت الدوله ساز مخالفت آغاز نماید
(نه بر مرده و زنده باید گریست)

ناچار وقتی گریه را در منزل نمودند و اطراف محاصره
کردند آنهم آسوده نخواهد نشست، ولی خانه خرابی
برای چهار نفر ملاك و تجار و متوسطان و اهالی شهر
است، لابد از بعض اقدامات سری و خیالات مستبدین
و تشكيل انجمن ملاك خاطر طالبی مستحضر است،
قلوب دامایان و متدینین از سوء رفتار و کردار
ایادی حال استبداد مجروح و مقروح است، سایر
بلاد اعانه جمع مینماید بجهت مخارج لازمه و قرض
دولت، شیراز بعد از بیست تسلکراف که بطهران
نمودند سکه اگر ایالت با استبداد حرکت نماید

مرحمت سلطان کبیر مرحوم اعلیضرت مظفرالدین شاه طاب ثراه و مراقبت حجج اسلامیه و عامه ملت تأسیس شده جوانان طایفه امرا هدف گلوله آطل مخالفین داخلی مشروطه داشت و در راه ملت فدا نموده که تا کنون بسمت رسمیت طایفه کی در لباس سیاه که علامت سوگواری است باقی می باشد هنوز از این اندوه و غم نرسیده اند که اوضاع کنونی از اقامت طول مدت قشون خارجی روی داده تا (تا شدم حلقه بگوش در می حانه عشق)

(مردم آید غمی از نو به مبارک بادم) امیدوار از تمصلات حصرت حق و توحیات و تأییدات ولی مطلق حضرت حجه الله الاعظم ارواح العالمین له الفداء چنان است تا نهایت و انجام امر در مقاصد نوعیه با قوه قویه اتقاید صواب قشقان همراه و متحد بوده باشند و بعد از خروج قشون دیوات همسایه از حدود مملکت شش هزار ساله لباس جدید در بر و عید سعید ملی را از بو از سر گردید، آنوقت اطهار مسرت خواهند نمود، و بعادت اندی مائل گردیده اند، بگویند که تو بیگانه (اسامعیل قشقانی)

▶ دستخط حضرت مستطاب حجه الاسلام (و المسلمین آیت الله فی الارضین آقای خراسانی مدظله) (بجانب صولت الدوله)

انشاء الله امام عرت قرین صحت و همواره در خدمت بملت عزیز خود و نگهداری فقراء و ضعیفاء مؤید بوده باشید جماعت از اهالی لار زیارت مشرف شده نهایت شکایت و تسلیم از نا امنی راه تمام بنادر و آن اطراف از کراش و عوضی و فخر و دوامتجان و عرب و بهار و غیره و غیره دارند و مکاتب دیگر هم از اهالی آن صفحات در مواهقت شکایت شان همراه دارند، و معلوم میشود که صفحه فارس مطلقاً هنوز مفتوش است و بعد از این همه زحمت در بسط اساس مشروطیت و تحصیل آسایش رعیت و بودن مثل جناب جلالتمآب اجل عالی در آن صفحه، این قسمها مأمول نبود، و بعد از آن صدمات وارده بر لاریهای بیچاره جایز است که باز در ایذاء اشرار باشند و راه آمد و شد شان بواسطه اشرار مسدود گردد و خودشان بی مؤنه و بی آدوه، بمانند، حال موقع همت و حمیت است که داد بیچارگان رسید و ملاد و طرق آنها را تأمین فرمائید و نیک نامی دنیا و آخرت برای خود بگذارید، امیدوارم بطوریکه خودتان از نا امنیت و استیصال لاریها را میدانید بیچاره ما را راحت فرمائید مخصوصاً این نوجوه و محبت را از جناب اجل عالی خواهش مندم و دمای تأیید و نصرت وجود محترم را در عهده خود می شناسم،

امیدوارم خبر امنیت آن صفحه و وضایبت امبالی قریباً برسد و زیاده تر برای وجود شریف دعا کنم زیاده چه زحمت دم خواطر شریف از همه مراتب واقف السلام والسلام علیکم

(من الاحقر محمد کاظم الخراسانی)
▶ سواد تلگراف مرحمت انصاف ▶
(مجلس مقدس شورای ملی شید الله ارکانه)
(بجانب صولة الدوله)
(در جواب تلگراف مغزی الیه)
(از طهران به کازرون)

جواب جناب اجل آقای صولت الدوله بردار عشایر ایلهجانی ایل جلیل قشقانی دام امبانه تلگراف مشروح جناب عالی که حکم بر اعاده نظم آن صفحات و استقلال امنیت طرق و شوارع و مساعی جیده در قلع و قمع اشرار آت حدود بمجلس شورای ملی رسید، چون دو نظر دور بین هوا خواهان ملت و صاحبان حسن عالی که در خدمت وطن منتون و در ایجاد مقتضیات اما واحیاء مملکت مقنورند امروزه باقتضای وقت حفظ امنیت مملکت و بسط آسایش ملت را بر هر گونه امور مهجه و خدمات، منظمه مقدم و قلباً برای خود بالا تر شرط و شرف می بود، بر جناب عالی هم که بجمده الله دارای حسن عالی و در خدمت وطن و آن طورها منتون و مفتور و جز در خط دولتخواهی میل و مشتی ندارید لازم است این خدمت را که در این موقع یاسای وطن برستی و متضمن مصالح و نتایج مطلوبه و فواید عمومی در رفع اشکالات دور و نزدیک است کوچک نداشته بقتضای حب الوطن بر هر خدمتی مقدم بدارند و بدیهی است چنانکه حالا این اقدامات حسن جناب عالی در نظم آت صفحات مشکور عموم نمایندگان محترم ملت و منظور اولیای امور دولت است مآلاً نیز متضمن نتایج طایه فوق مقاصد مقصوره خود آنجناب خواهد بود

(رئیس مجلس شورای ملی مستشار الدوله)
▶ حبل المتین ▶

ما همه این مراتب را قبول و کمال امتناناً از جناب صولة الدوله داشته و داریم که درین انقلاب عظیم جلوگیری از ایل قشقانی نمودند و اگر مانند ایل عرب که باندازه شبانهای قشقانی هم نمیباشند بنای قتل و عارت میگذازدند هستی برای کسی باقی نمی ماند شک نیست سکه بزرگترین وطن خواهی و مشروطه برستی اطاعت از اوامر دولت مشروطه و نیکو ترین اسباب بیرون کردن قشون خارجه جهان حفظ امنیت داخلی میباشد، مسلم است که جناب صولة الدوله منتون است سکه بزرگترین امتنان است

قربان جان ایام عزیز آصفالدوله عتک و بود توپ و قشون انگلیس بشیراز گردید. هرگاه جنوب امن شود شهادت امن و بهانه برای قیام قشون خارجه باقی نمی ماند، البته جناب صولتالدوله واقف هستند که امروزه قیام قشون اجنبی به بهانه نامی جنوب و امنیت جنوب هم بسته بقوت و قدرت ایشان است عجب تر از همه این است که واقعات لار را هلث نصرالدوله بوده است و چنانچه شهرت یافته جناب طلی با نصرالدوله که مردود علماء و مطرود ملت است صلاح فرموده اید. در این صورت اسی از داد خواهی لار نباید بمیان آید چرا که قاتل لاریان و قاتل لار آنکس است که بنا بمشهور دست اتحاد مجانبالی داده. بدینجهت این اتحاد را با پیرایه های ذکر میکنند که منافی با وطن خواهی است. میگویند این اتحاد برخلاف دولت خسرویه است میگویند این اتحاد که مایه اطمینان طرفین که بخون یکدیگر تشنه بودند بواسطت نمایندگان خارجه صورت بسته و با اشارات خارجی این انقلابات پیش آمده است

از همه ترتر شنیده می شود که از یک طرف مائل بحرکت ایالت با استمداد میباشد و از طرف دیگر دست بروی دست سباده از امنیت راه و شهر هم استعفا نموده اند و نوری سیم ایران از کار اوقاده و سیم انگلیس با کمال نظم درکار است. این اوضاعیکه فعلاً در فارس پیش آمده عاقبت نیکوئی ظاهر نمیدارد. و ما هرگز رضا نبودیم که این زمزمه ها را بشنوم. بهرحال اینها تمام اقوامی است که قابل تصدیق نیست و ما از جناب صولتالدوله خواهش مندیم که ایالت تازه را تأیید نموده در امنیت جنوب بکوشند و رساله تکذیب این اشاعات را به نمایند

امروزه وطن خواهان راست که ترک امراض شخصی گفته در خدمات بوعینه وطنیه بکوشند. و هرگاه دیگری بد کند و ما هم قصاص آن کنیم. هیچ و مرج بالا گرفته و سررشته از دست بیرون میرود. پس وطن خواه کسی است که درخیر نوع از نفع و قصاص شخصی بگذرد. خوب است جناب صولتالدوله در نوع خواهی و وطن پرستی اقتداء و اقتفاء باین خادم اسلامیت فرمایند که در وقته بناجیح میرزا سید حسن الخوی با آن خدماتیکه در راه وطن نموده بود و آن خسمرات عظیمه که بر ما وارد آوردند. با آن قدرت و قوتی که در تلافی و قصاص داشته و داریم. چون در مخالفت خویش. طلب در استقلال و مان میرفت. سکوت را اولی عهد بلکه لشکر نموده اظهار بیگناهی کردیم و در مخالفت با او و لا یصل علیه بایست برده بود

روی کارها بر اوقاده هنوز هم بر خواهد اوقتاد. جناب عالی را هم بمسک قوم خود دعوت مینمائیم چون هنوز مسبوق بحقیقت امر نمی باشیم. زیاده بر این بسط کلام را جائز نمیشماریم.

تنگرافات

(۲۶ ع ۲ - ۷ می)

۱) دو قصر (بکنگهم) کلیسای سنت پال سنت منستر و غیره جبهه ایصال ثواب به روح اعلیحضرت (ادورد هم) ادای مراسم روحانی نمودند ۲) اعلیحضرت جارج بجم پادشاه انگلستان ضمن نطق خود اظهار داشت این وقت قلب من بشدت جوش میزند. قط تجدید کلیت پدرم را میکنم و تا آخرین نفس خواهم آن ترقی رعایای خود خواهم بود. پدرم همواره باین کلیت پیروی نموده و من امیدوار از خدای خود هستم که اقتدا به پدرم نموده همیشه سعی در این امر خواهم بود و مادام العمر سعی خواهم بود در پیروی تا نثار والدیم که این سلطنت ملی را پایدار بدارم

(۲۷ ع ۲ - ۸ می)

۱) گزت رسمی اشاعه نموده که یک سال کامل باید ملت عراق دار باشد خاصه تا ۷ نومبر

(۲۸ ع ۲ - ۹ می)

۱) اعلیحضرت (جارج پنجم) حسب رسم قدیم انگلستان بیادشاهی استقرار یافت ۲) افسران نظامی را حکم اقامه عراق داری تا شش ماه صادر شد

۱) در جمیع بلاد انگلیس رسم تخت نشینی (جارج پنجم) بعمل آمد. وقت قرائت اعلان تخت نشینی در لندن (لارڈ روزوی و لارڈ کچر شاهزادگان و شاعرانده خانمها شرکت داشته. حین شلیک توپ تبریک نیز شهزادگان برابر ایستاده بودند

۲) دوستان مخصوص پادشاه مقوی که منجمه آن (لارڈ وائیس - لارڈ کرزن و مستر بلفور بودند و خانواده سلطنت دو اوطاق که جنازه را گذارده بودند رفته مرخصی حاصل نمودند

۳) (پادشاه الفسوی) (اسپانیا) و (پروس هیزی) (نیدرلند) در مراسم تکلیف و تقدین ادورد هم شرکت خواهند کرد

۴) محض اینکه مردم بیکار نباشند. اعلیحضرت (جارج پنجم) حکم نموده اند که تیارها فقط روز تقدین ادورد هم تعطیل یابند

۵) امروز عصر مجلس ملی ملو و در حضور نایب رئیس پارلمان (۲۵۰) قرا از وکلا بخیرخواهی اعلیحضرت (جارج پنجم) قسم یاد نمودند

۶) رسانیدن شمشیر ملک (الکوزنوم) در کمال سرعت اند

(۲۹ ع ۲ - ۱۰ می)

نیز در هر جا و در هر ملک تفریت از رحلت (کنگ ادورد هتم) می شود در مجالس (رجسنت) آلمان و (دومای) روس و مجلس ملی هولاند اظهار تأسف نموده شده

§ (شهرد کیش بزرگ) دیروز رجزاؤه (ادورد هتم) باز خواند ، ملکه الکتزنده و اعلیحضرت (جارج پنجم) و روحه محترمه شان و پادشاه و ملکه (فاروی) دیوک و دچس آفایب و پرسس و کتوریا شریک بودند § (سنز اسکویت) وارد لندن و با اعلیحضرت (جارج پنجم) ملاقات نمود

نیز مجلس ملی (کریت) متوح . وکلا در خیرخواهی پادشاه (یونان) قسم یاد نموده یک از وکیل مسلمانان عذر نامه پیش کرد ، حاضرین ویرا زده و عذرنامه اش را پاره کردند

نیز مخبر (روتز) از (یکن) خبر میدهد که فرمانی صادر شده بموجب آن تاریخ انقضاء مجلس ملی سوم اکتوبر قرار یافته است

§ امروز عصر نایب الرئیس مجلس ملی انگلستان تسلیمت و تفریت نامه اطراف و اسکناف عالم را قرائت نمود

نیز تیش و تقریحات قصر بلور لندن تا اقصای سنه ۱۹۱۰ تعطیل ماند

نیز بیستم ماه می برای عراداری مخصوصاً مقرر شد (اول ج ۱ - ۱۱ می)

§ اعلیحضرت (جارج پنجم) خواهش کرده اند که محض وفات (ادورد هتم) افتتاح نایشگاه اشیاء (ژاپون) معطل نشود ، افتتاح ۱۴ می خواهد شد § بموجب خبر اسلامبول در کوه (شرفولوا) نازکی جسکی بر بلواییان البایا و قشون عثمانی دو گرفته قشون بلواییان را شکست داده و عقب نشاند است § از کار روانی (کریت) باصلی بدول محافظ شکایت زیاد نموده است

§ امتحان جنگ بحری و دری بکلی تعطیل ماند § (ستر روز پولت) از جانب دولت امریکا بسنارت فوق العاده در شرکت جنازه اعلیحضرت (ادورد) مقرر گردید

نیز بازار (نیو یارک) روز تدفین (ادورد هتم) بند خواهد شد

§ نقش (ادورد هتم) در اوطانی ملیس به لباس (فیلد مارشل) گذارده شد

(۲ ج ۱ - ۱۲ می)

نیز کر بلواییان (البایا) شکسته شد - و قشون ترکی بعد از جنگ سختی بلواییان را از دوه ها خارج کردند

§ بموجب تلگراف اسلامبول - حرکت پشما در مجلس ملی اظهار داشت که دول خارجه در جواب مراسله باصلی نوشته اند که وکلانی که در خیر خواهی پادشاه (گریس) قسم خوردند موثرت تبدیل و تغییر حالت (کریت) نه تواند شد - بنابر این جواب تلی بخش است و اصلای کریت آنچه بخواهند اقدام کنند ولی جزیره (کریت) از دولت عثمانی جدا نمیتواند بشود

نیز پادشاه (دنمارک) وارد (لندن) اعلیحضرت جارج در ایستگاه راه آهن باستقبال شتافتند

(۲ ج ۲ - ۱۳ می)

نیز خبری از اسلامبول رسیده که شورای وزرا جواب دول خارجه را مهم و مهمل و غیر مربوط دانسته و از دول مزبور خواهش کرده که آراء خود را واضحتر اظهار دارند

اعلان

در سنه ۱۳۱۰ هجری مرحوم حاجی زین العابدین آقا تاجر حوثی (که از محترمین تبریز بودند) بکلکته آمده آفیس تجارتی بنام خود قائم و چند سالی با کمال سرگرمی و امانت مشغول ، سپس فرزند ارشد خود جناب حاجی محمد آقا را قائم مقام قرار داده مصلودت به تبریز و از حسن کنایت حاجی محمد آقاى مدوح اداره مذکور روز ازون ترقی و بعلاوه وسعت تجارت شخصی بر مراجعاتشانم افزوده چنانچه از سکتزوت شهرت مستغنی از توصیف وهم از حیث قدمت اولین ادارات تجارتی ایرانیا بکلکته میباشد . در سنه ۱۳۲۵ جناب حاجی زین العابدین بجوار رحمت حق پیوست ، جناب حاجی محمد آقا و سه نفر اخوان کرام ایشان کمال سعی و جهد را در اقامت اداره بنام والده مرحوم خود داشته چنانچه تا این زمان بهمان اسم جاری بود ، ولی اسامی مصالح عیدیه چنان اقتضا نموده اسم اداره تبدیل شود ، لذا از اول ماه جون سنه ۱۹۱۰ مطابق ۲۲ جادی الاول سنه ۱۳۲۸ هجری اداره مذکوره رسماً بنام (حاجی محمد حوثی و برادران) تبدیل یافته کماکان دایر و جاری خواهد بود .

مسائرت

نظر بر اینکه جناب مستطاب آقا سید محمد باقر شیرازی سلمه الله تعالی مصمم بزیارت بیت الله الحرام بودند چنین صلاح شد که هموطنان غیور مصر اسلامبول را هم ملاقاتی نموده باشند لذا یک شب ۲۲ ع ۲ از کلکته بحساب سوئیس حرکت نموده ظاهر است که هموطنان در هر جا مقدم ایشان و گرامی خواهند داشت

(جلال الدين كلكه)

ديكل كالج استريت نمبر ۴

HABIBUL HAFIZ OFFICE
1, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

(كليه امور اداره با)

مدير كل مؤيد الاسلام است

(هر دوشنبه طبع)

(وسه شنبه توزيع ميشود)

(يوم دوشنبه)

۱۲ جادی لاول ۱۳۲۸ هجری

(مصادف با)

(۲۳ می ۱۹۱۰ میلادی)

رولا حق الخد ابره بدون قبض ندارند و تاوقتیکه
(مشاکین را قبض مخصوص سال هفدهم دست نیا شد)
(نمۀ شان پری قضاقته نمیشود)

ماه مقدسه

(قیمت اشتراك)

(سالانه — شش ماهه)

(هند و برمه)

(۱۲ رویه — ۷ رویه)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عثمانی و مصر)

(مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

۳۰ فرنک — ۱۶ فرانک

(روس و ترکستان)

(۱۰ منات — ۶ منات)

المشرك

سنة ۱۳۱۱

مراسلات مخصوصی بدون امضای

(معروف اداره درج نمیشود)

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آراست)

حیثیت مالی ایران یا استقراض دولت
حیثیت مالی ایران امیدواری به کلبه اصلاحات ایران
در آتیه میدهد چرا که مالیات از هرطرف زاید بر
امید وصول و وزارت مالیه ایراث کمال خوش
سلیقه گی را بخرج داده و چهار گونه آنچه از
خرجهای بجا کاسته بر دخل دولت از تفاوت عمل
افزوده است و این تفاوت نه تنها جا خالی بودجه را بر
نموده بلکه يك سرمایه هنگفتی برای اصلاحات جدید
مملکتی مهیا داشته و این حسن عاقبت بدون اضافه
مالیات است، و همینکه از روی علم بیزی صحیح در
عمل مالیات اراضی بشود دخل دولت چند برابر
امروزه تواند شد و میتوان گفت امروز ایران جندان
محتاج با استقراض خارجی نیست، چرا که دست
با استقراض داخلی زده و باندازه ضروریات فوری
از داخله وجه حاصل تواند کرد و اگر ایرانیان بتوانند
قرضه بزرگی در داخله فراهم نمایند گویا حقه سر
بسته جمیع سعادتها را ر بوده اند

این نکته قابل تعمق است که قرض رسمی
دولت از بابت هزار و نهصد و هزار و نهصد و دو
سه ملیون و دو بیست هزار لیرا میباشد و قرب دو
ملیون لیرا هم قروض دستگردانی به بانکهای روس
و انگلیس است، قروض رسمی بسود صد پنج و قروض

دستگردانی بنگها بود صد هشت تا صد بانزده است
سود قروض رسمی از کرکات هماره داده می شود
و اضافه هم سالانه هفتصد هزار لیرا بعد از وضع
مصارف بدولت عاید میگردد، ولی چون روسها کرکات
شالی را ضامن ادای وجه خود قرار داده
محض اینکه فشار به ایران آورند شاید بگویند ایران
نباید بقیه عایدات کرک را سرمایه استقراض قرض
جدید از دولت دیگری قرار دهد و حال آنکه این
سخن بسیار سخیف و قابل قدر و اعتبار سیاسی
هم نباشد، و اگر ایران ضدیت نماید میتواند بقیه
عایدات کرکات خود را سرمایه اعتبار و استهلاك يك
قرضه بزرگی قرار دهد، چه در شروط استقراض
ابداً چنین قرار و مداوی داده نشده و مسلم است
که همه روزه بر عایدات کرک می افزاید، و آنچه ما
نوشتیم که بعد از دادن سود قروض رسمی و وضع
مصارف هفتصد هزار لیرا عاید دولت می شود مبنی
بر اسنادی است که روسها سال گذشته در بجهوحه
انقلابات ایران اشاعه داده اند، و ظاهراًست که دوایم
امنیت عایدات گمرکی يك ونیم این مبلغ خواهد بود و هرگاه
جلوگیری از خرج ترانی و حیف و میلهای بلژیکها بشود،
يك مبلغ عمده بر عایدات دولت از کرکات تواند
افزود، و بین دو سه سال عایدات کرک بعد از منهای
مصارف و ادای سود و اقساط قروض روس سر

بدو مليون ليرا تواند زد. با ايکه اين حسابها را جرائد روسيه نموده اند معذالك محض فشار دادن بدولت ايران و براي مجبور ساختن اين ملت تازه بيدار شده ساعي اند که نگذارند ايرانيان از اين سرمايه منگنت اعتبار خود فائده برگیرند، ولي روسها هماره از خشونت ظبي که جيلي آنهاست صدمه خورده درين موقع هم صدمه خواهند خورد و بعد نيستد براي ايرام مفيد واقع گردد. چه هيمنکه ايرانيان را مجبور ساخته خواه خواه آراهم بچاره جوئي خواهند افتاد و لامحاله راه نجاتي براي خود پيدا خواهند نمود و يا هيکل اشکالي جلو روس خواهند تراشيد

لطف اين است سرايم روس و انگليس مقیم طهران ساعي اند که قروض دستگردان دولت را شامل در قروض رسمي قرار دهند اگرچه بادي القدر اين امر نافع محال ايران معلوم می شود يعني از ادای آت سود منگنت که روي همرفته سر مدوازده ميزند نجات می يابند ولي چند مزار ديگر براي ايران توایند نمود

(۱) در قانون بين الملل تباین کلي است بين قروض رسمي و قروض دستگردانی يعی در قروض دستگردان دولت نتواند بعض تشبثات سياسي بنمايد برخلاف قروض رسمي

(۲) قروض دستگردان دارای هيچ شرط نميباشد ولي هيمنکه قرض رسمي شد تمام شروط قرضه روس عابد بر آن خواهد شد

(۳) بسياری از اين قروض دستگردانی ساختگی متبدين دوره محمد علی و سندانش قابل اعتبار و قبول نميباشد اين است که سنارتين ميخواهند اين سندات مجعوله را با رجا بنابند

(۴) انگليسها چون طلب رسمي از دولت ندارد بر گمرکات جنوب دارای هيچ گونه اختيار نميباشند باین وسيله ساعي اند که يك قرض رسمي از خود بر دولت ولو جزئي باشد نابت کرده مانند روس خويشتن را بر گمرکات جنوب ديحق جلو دهند

(۵) چون دولتین از ريختن يك قرضه توام بخلق ايران مأیوس شده باین وسيله ساعي اند که

خود را دارای يك قرضه توای از ايراب بنابند يعی دولت انگليس هم دارای آت شروط و حقوق صکه روس هست بشود. اينجا چندان لازم به تشریح نيست که اگر يك دولت قرار و مداری را با دو همسايه بدهد دولت ثالث را حق هيچگونه اعتراض نماند. چنانچه در مسئله تعرفه گمرک که (نوز) بهمانی و روس بندوبست کرده با ايکه بانگليسان زبان داشت مجال صدا بلند کردن نيافتند

(۶) اگر ما قروض دستگردان را جزو قروض رسمي قرار ديم و کايته آت شروط را بر آن جاری ديم در آن صورت بايد پنج مليون و دوست هزار ليرا تدارک کرده آن وقت از چنگال آن شروط استقلال ويران کنن نجات يابيم و امروزه نجات ما به سه مليون و دوست هزار ليرا ممکن است. چون قروض دستگردان دارای هيچ شروط رسمي نميباشد منع از هيچ اقدام دولت هم نتواند بوده ولي هيمنکه تبديل بقرض رسمي شد سخت پای بند خواهيم گرديد

درست است که قدری درسود تخفيف خواهد شد ولي مزار سياسي خيلي براي ايران توایند تواند نمود. پس ايرانيان راست که کمال مذاقه را درين موضوع نموده بيگدار باب نزنند و قافيه را نيازند که تيري که از شست رحا شد باز نتوان گردانده به هيچ تکليف دولتین قبل از توضيحات و تشریحات لازمه تسليم نبايد شد. چون بنشاست درباره ايران فاسد جلوه نموده قديمي باصلاح پيش نخواهند گذارد

دولت ايران را امروز يك استقراض ده مليون ليرا لازم است. سه مليون و دوست هزار ليرا قروض رسمي و دو مليون قروض دستگردانی و قرب هشتمد هزار ليرا نیز حقوق عقب اوقصاد واجب الادا ميباشد. جمله آنها شش مليون يك مليون هم براي اصلاحات قشوني و ادارات و وزارت خانه ه و سه مليون هم براي سرمايه بنگ ملی و شروع با تعمير راه آهن از جنوب تا شمال

هرگاه ایرانیان بتوانند بدون استقراض خارجی ترتیب استقراض ده ملیون لیرا در داخله خود در عرصه پنج سال بدهند بالاترین سعادتها را حاصل کرده اند و هرگاه از روی علم پیش آیند استقراض ده ملیون لیرا آتم در مدت پنج سال دشوار نیست، و هرگاه با استقراض خارجه مجبور شویم با ضمانت صحیح از بنگهای خارجه در کمال سهولت حاصل توانیم کرد اینکه گنیم در عرصه بحسال ده ملیون لیرا طرا ضرورت خواهد شد باین اصول است - در سال اول دو ملیون لیرا چهار صد هزار آرا در اصلاحات ضروریه قشونی و غیره صرف و سیصد هزار دروجه قروض دستگردانی و مواجبهای پس اوقفاده به بردازند و با يك ملیون سرمایه نیز تشکیل بنگ ملی دهند چه هرگاه به تشکیل بنگ ملی نائل آمسیم در منی تحصیل صد ملیون اعتبار در خارج و داخل برای دولت نموده ایم، و با سیصد هزار دیگر شروع بکشیدن يك خط راه آهن از جنوب بشمال بشود سال دوم که دو ملیون استقراض شود با صد هزارش را بقروض دستگردانی داده و سیصد هزار هم در شعبه راه آهن صرف نموده يك ملیون و دو بیست هزار آن را در بنگ ملی امانت گذارد

سال سوم که دو ملیون استقراض شود با يك ملیون و دو بیست هزار لیرای سال قبل که در بنگ ملی امانت نهاده شده در ازای قروض روس به بردازند و يك مرتبه طوق عبودیت را از گردن دور دارند

مخفی نماند که روسیان دو نوبت قرض بایران داده اند، اول در سال ۱۹۰۰ میلادی و دوم در سال ۱۹۰۲ میلادی و شرط شده که دولت ایران تا ده سال میتواند کلیه این وجه را به بردازد و در حقیقت موعد برداختن قرضه روس کاملاً در سال ۱۹۱۲ است، چه مسلم است روس ها درین موقع منتهای بی مزگی را خواهند نمود و تا سال ۱۹۱۳ هرگاه ما تمام و کمال وجهش را به بردازیم و رشته عبودیت ویرا از گردن بپندازیم بعدها رضا نخواهند داد، تا ۶۵ سال دیگر دو بار آنها خواهد بود

پس ما باید تا سال ۱۹۱۲ هر قسم ممکن باشد تدارک نموده قروض روس را کلیه به بردازیم، بدبختانه شرط دیگر هم شده که تا وقتی قرضه روس کاملاً برداخته نشود بدون اجازه دولت مشارالیا از دیگری استقراض نتوانیم نمود، مسلم است که روسها محض فشار بایران اجازه نخواهند داد تا وجه آنها داده شده از دیگری استقراض نمایم، پس ما راست که اعم از داخله یا خارجه قبل از وقت تدارک وجه نموده تا در موقع خود بروسها به بردازیم سال چهارم و پنجم از چهار ملیون استقراض تمامه قروض دستگردانی و غیره را داده بقیه را سرمایه بنگ ملی و تعمیر راه آهن قرار دهند اگرچه کمان نداریم که در داخله موفق به تمام این استقراض شویم ولی هرگاه به نصف یا ثلث آن هم موفق گردیم پیش رفت کلی برای تحصیل تمامه آن در خارجه خواهد گردید

و فرض هم که نتوانیم بضانت بقیه عایدی گمرکات استقراض از خارجه نمایم خیلی چیزها رای ضمانت و استهلاك این وجه داریم

عایدی بستان و تلگراف و ضرابخانه بعد از وضع محسارح از پانصد هزار لیرا کم نیست و نیز حصه دولت از منافع معدن نفت جنوب افلا صد هزار لیرا میباشد، و معادن خلیج فارس که باید کان طلای دولتش گفت اگر از روی علم و دیانت در آنها کار شود بعد از وضع مصارف بالغ بر چهار صد هزار لیرا دخل توانیم برد، و این سخن را بی هیچ وجه اعراق نباید دانست، و نیز آنچه به تحقیق پیوسته از اعصار نمک و تباک و تریاک بعد از وضع مصارف يك و نیم ملیون لیرا اضافه دخل برای دولت خواهد داشت، و این دو ملیون و نیم دخل نایبه جدید دولت، نهضام استهلاك قروض است و به تا کنون محل مصارف دولت واقع شده که در استرهایش در کارها خللی واقع گردد، و این مبلغ برای استهلاك پنجاه ملیون قرض بمدت بیست سال کافی تصور می شود، فرض این است که دولت ایران مجبور برهن گذاردن بقیه عایدات گمرکات میباشد هنوز موادی که کافی برای این استقراض باشد خیلی دارد

فداکاری موجب نیکبختی است

هر آن انسانی که نظریت و تاریخ ملل عالم انداخته، میداند که این ترقیات عبرالقولان امروزه آنها تمام از برکت آن فداکاریهاست که در راه حفظ شرف و ناموس و استقلال خود نموده اند، بلکه اگر رجوع بکلیه تواریخ دنیا نمائیم می بینیم که نوع ترقیات چه دین و چه دنیای تمام منوط و مربوط باین دقیقه و لطیفه است، دین مقدس اسلام در قرون اولیه تا آن کمی مدت بآن درجه عالی نائل و موفق نیامد مگر از برکت آن فداکاری های مجاهدین اسلامی، امریکا و فرانسه در این قرون اخیره یا در شاه راه ترقی و تاملی چنانچه مشاهده میکنیم نگذاشت مگر برکت آن جابازیهای جان بازان عبور

بافرض اگر جاهلی چشم بسته از طریق من عندی این ترقیات ملل دنیا را نسبت بقضا و قدر و یا اثرات تدبیریه طبیعه توهم کند و بخلاف کتاب مقدس آسمانی ما مسلمانان که فرموده (ایس للانسان الاماسی) نطق کرده کوشش و کشتش انسانها را بیفایده و لغو خیال نماید باید چنین آدم را عصا کشان بیدان محاربه (پورت آرتر) در شرق اقصی هدایت کرد که از اثر فداکاری دوات مختصر که حاکم بجاه و سه مرتبه از دولت روسیه کوچک تر و نفوسش دو ثلث کتر چه گونه باین مرتبه عظیم سطوت و اہت نائل آمد، بحدی که کتر دواتی از دول عظام یورپ که دست اتحاد و دوستی با نهایت افتخار بطرفش دراز نکرده باشد آیا ممکن است این اہت را که دولت ما شرف ژاپون در این محاربه تحصیل کرده متناسب بغیر آن فداکاریهای معروف و مشہود دانست، شاید در تمام دنیا یک نصف یا ربع نفر پیدا نشود، حتی آن مغزهای کنندیده و آن کله های مملو از مکروب اوهسام و خرافات اذمان این معنی را داشته باشند.

حالا باید فکر کنیم ما بینیم که جہت وحید و سبب فرید این جان نثارها که دسته از بشر را بقابانہ یست وی دلالت میکنند چیست؟ آیا میشود که یک ملت یا دولتی را که قدم در میدان فداکاری میگذارد نسبت بوحشت و بربریت و یا دیوانگی داد؟ گویا این معنی را نیز منکری در مقابل نباشد که این نسبتهای

رزالتانه را نمیشود یک چنین ملت و دولت متصور دانست، آنچه تمام عہدہ حرکات فداکارانه ملل دنیا شناخته شده همانا تحصیل و شرف و ناموس و قطع بد اغیار از رسیدن دمان عصمت و استقلال وطن و عزت قومی آنها است، و اگر بخوانیم صفحات تاریخ دنیا را خواهیم دید که اقوامیکه پای ثبات در وادی تحصیل شرف و استقلال فشرده اند نوعاً محتاج بدو گونه فداکاری بوده، اول جانی، دوم مالی، که تا این دو عقبه مهول خطرناک را طی نکردند در عرش کرسی استقلال جای گیر نشدند، کار نداریم بکسانیکه بواسطه تصادف امورات طبیعیه و یا بمساعدت اقبال و یا امور دیگر مثل ملت ژاپون خوشبختانه بدون وجود اول عقبه شاهد مقصود را در آغوش دیدند لیکن از آنجائیکه این مطالب بخلاف مجاری طبیعیه کسوت وجود و خود نمائی در بر نمود قلم تقدیر بر سر صفحه لوح قضا تدبیر امپراطور جوان بخت ژاپون میکادو را در تحصیل آت نتیجه مطلوبه بالاقتضاء ثبت و نقش نمود، و از مجلس سنای مجاری گویند فرمائی بدین مضمون بر سلطان طبیعت صادر گردید «تا این قوم محیب از آت عقبه اولیه نگذرند و قرابایه وافر در راه وصول باین کعبه شاخ الارکان مقصود ندهند عزت و هیبت مسلمه دنیا را بر آنان مسلم نگرداند، سئل الله لقی قد خلت من قبل ولن تجد لسئل الله تبدیلا) این رهن را آتوم از خزانه طبیعت وقتی مسترد داشتند که صدای رعد آسای توبهای مسلسل آنها در دره و قلاع طبیعی و مصنوعی (پورت آرتر) با یک غرض خصم از پا در آوارانه به پیچ و تاب افتاده تا آنکه بفشارهای خیلی سخت خون ریزانه صدای آن توبها که لسان الحق آن یگانه ملت غیور بود معنی (لناالصدر دون العالمین اواقبر) را گوش زد عالم اروپا و آسیا بلکه اقطاع خسه دنیا نمود، طبیعت خون آشام چون از خون انسانها سیراب گردید بمجوب کریمه (ان الله یامرکم ان تردوا الامانات الی اهلها) آن جوهرگران بهای عزت مسلمه آن دروانه ثبیتی را که مدتها در کون خود بجهت آت آدمها توپیت کرده، آن استقلال با شرافتانه را تسلیم آن ملت نجیب نمود، ایران در پی تحصیل این عزت و از عقبه اولی خواهد، نخواهد، علی

میرزبان و امیر بهادران بواسطه وحدت عقیده یا جبهات دیگر در مدت قلیلی فراغت حاصل کرد و کشتی مراد خود را از این اوقیانوس مظلم خونین بساحل نورانی امنیت کشانید و در پیشگاه ملل دنیا با یک طرز مقولانه خوش و اسلوب مظلومانه دلکش اثبات هم سری و همخواه کی خود را با عروس آزادی در حجله استقلال وطن نمود، حال وقت قدم برداشتن ایران است بسمت عقبه نایه این جنبش فداکارانه مالی بیک اعتبار سخت تر از پیودن مرحله اول جلوه میکند چه آنکه این حرکت تا یک اندازه باید کسب عمومیت در افراد ملت ایران نماید تا شاهد مقصود که حفظ استقلال وطن است در آغوش نیکبختی و عزت جای گیر شود

هان ای ایرانیان نظری بتاریخ انقلاب فراسویان نمانید که با آسپه فداکاری های جانانه دست خیانت اجانب را از دامن عصمت ما در وطن سکوته نکردند مگر بعد از آنکه بایک احساس ملی مشفقانه از فداکاری مالی که عقبه نایه و جزو اخیر عله نامه محافظت استقلال است خود داری نمودند شما ایرانیان اگر منتظر نتیجه این همه خسارات مالی و جانی در راه آزادی هستید باید با یک سرعت بی آرامانه ترتیب مقدمه نایه را داده که نتیجه چنانچه مقرر است تابع اخس مقدمین میباشد

هان ای ایرانیان هنوز خونهای شهدای راه استقلال وطن که صفحه عالم ایران را برنگ خود در آورده در جوش است. ارواح مطهر آنها دو خرابه ایران با یک ناله دل خراشاه جر گدازانه وا و طناه گویان شما را دعوت بمحافظت این خاک پاک از پامال شدن بسم ستوران دشمنان ایران. میباید، اجساد مقدس گذشتگان در این راه در دل این خاک تابناک سیاه وار در قلق و اضطراب است که مبادا خدای نخواسته بعد از آن همه ناکامیها دنیای ایرانش بکام دشمنان ایران گردد، ارامل مجاهدین وطنی شب و روز از و امة حمله دشمنان راحت و آرام ندارند، نوعروساییکه بخون جوانان فدای وطن دست و پا حنا بسته و در حجله عزای ایران سیاه پوش نشسته اند چشم امید شان خدایاری مالی شما ایرانیان است داد و با ایرانیان آبا شما را برقت نمی آورد

حالت دختران صغیر بنیم آن نو جوانانیکه در راه گشکاش خانه ملی تقدجن تسلیم کرده هر لحظه دشمنان وطن را در تقاب خود ما بسر نیزه ظلم و جفا که در سدد اسیری آنهاستند در این بیابان ایران مشاهده کرده از این راهه مثل شاخه کل که اسنشام صرصر حوادث کرده باشد بخود می لرزند. برده گیان حرم محترم ایران هر دقیقه و آن دامن عصمت و عفت خود را دست آویز هزاران اجنی خیال کرده با یک استغاثه دل شکنانه بشا پناه می آورند، آیا وقت آن نرسیده که بیک همت و غیرت و فتوت مردانه حرارت آمیزانه این نوامیس وطن این ودایع الهیه اسلامی را از چنگال عقاب این دشمنان غدار خونخوار با فداکاری مالی رهائی بخشید، آبا فرمائش بزرگان دین را که فرموده اند (خیر المال ما حفظ به عرض الانسان) را از خاطر فراموش کرده اید یا خدای نخواسته وطن و اهل وطن را ناموس خود نمیدانید؟ اگر ناموس شما هستند پس چرا راحت نشسته اید در حالتیکه می بیند از یکطرف در شهر تبریز دشمنان شما برقع از روی ناموس شما برمیدارند و از طرفی قبور آبا و اجداد شما را لک لک سوب سم ستوران عداوتانه خود مینمایند، آیا شدی بالاتر و بدتر از این بجهت وطن و اهل وطن سراغ کرده اید که مالرا ذخیره آنروز نمانید، بحقیقت عدالت و روح مقدس مساوات قسم است که ائق سیاست ایران با اندازه تیره و تار شده که اگر دقیقه ازین اداکاری مالی غفلت و وزید یکسر کشتی استقلال ایران بگرداب اضمحلال و فنا فرو خواهد شد و تا اند نام ایرانی در سر صفحه پست فطرتن و بی حیثان ثبت و نقش خواهد ماند والسلام علی من التبع الهدی

الاحقر القزوی الحاری

رفع شبهه

در روز نامه حبل المئین کلمه شماره (۳۱) صفحه (۱۷) مقاله ایست بی امضاء بعنوان کرمان دو ضمن آن مقاله تعرضی بیکی از وکلای درجه اول کرمان شده و ارجح به لایحه که وکیل مزبور در باب قانون و مشروطه ایران نوشته و تانی از یزد و کرمان برده، اگرچه تصریح بام بویسنده لایحه نکرده ولی از مطلب معلوم میشود که مراد از لایحه رساله با ارمغان محیی و طرف تعرض نگارنده رساله مزبوره

میباشد، از این سبب لازم شد که عین عبارت ارمغان و عین کلام اعتراض کننده را در یکجا درج نمایم تا ارباب بصیرت هر دو را باهم بخوانند و حقیقت امر آشکار گردد

عبارت ارمغان

مقاله چهارم - يك مملکت خراب و پوران را با يك مشت اهالی فقیر بریشان بی اطلاع بی علم با مریا بودن سرمایه نقد و مردان کار آگاه و متصل نبودن دلتا و مجتمع نمودن افکار و بودن انواع محذورات داخلی و خارجی البته توقع اینکه يك مرتبه بمحض خلق يك حکمران مستبد و تاسیس دایره حکومت مشروطه ممکن نیست بصورت مسالکی که از مقصد سال الی سی صد سال است قانونی است و دارای انواع قدرت و قوت و ثروت و علم و دانش و اتحاد و اتفاق نمود، و اگر کسی چنین توقی داشته باشد بان میباید که از طفل شیر خوار توقع حاضر شدن در میدان جنگ و استعمال توپ و تفنگ داشته باشد، علی چون در ترتیب حکومت مشروطه ما تقلید از ملل متقدمه عالم نموده ایم باید حالا ما همان کار را که در هتصد یا سیصد سال پیشتر در انگلستان یا فرانسه کردند یا بنجام سال قبل در ژاپون نمودند بنماییم، نهایت چون روزگار ترقی نموده است و آن وقت روزگار بروشنائی امروز نبوده کاریرا که آنها در هتصد سال کردند ما در مدت هتتاد سال بکنیم، و اگر غیر از این باشد مانند لقمه بزورکی است که در گلوئی طفل شیرخوار گذارده شود که بجای تغذیه سبب هلاکت او میشود. مثلاً ما امروز يك دفعه نخواهیم توانست در تمام ممالک ایران حق تصبات و دهات قانون اساسی و شعب دواثر دولتی را با تمام خصوصیات آنها دایر نمایم، زیرا که اینکار محتاج است بمبلغ بسیار وجه نقد و عده زیاد از مردان کار آگاه مجرب خیرخواه که جی هر دو بیی خالی است، پس چه باید کرد؟ باید نقشه اصلاحات آتیه مملکت بتوسط مجلس محترم بدست رجال کار آگاه کشیده شود آنگاه بعضی از قوانین مهمه را که اساس مشروطیت است در تمام مملکت بدست همین عدد قلیل اشخاص مجرب امتحان داده جاری نمایم و بولایات حکام قانونی بفرستیم و آنها را اجازه بدیم تا آنجائیکه مخالف قانون اساسی نباشد ادارات را دایر و کارها

را اداره نمایند و بگردانند و قرار دهیم که مملکت را بچند قسمت در خصوص اصلاحات قسمت نمایم، يك قسمت آن را که مرکز جزو آن باشد سال اول اصلاح نموده و دواثر قانونی را در آن دایر کنیم، قسمت دیگر را بسال بعد و بعد از بعد بگذاریم که بتدریج بول و آدم پیدا کرده باصلاحات آنجاها به بردازیم و طبعاً هم حال مملکت امروز همین طور شده است آنچه را مثلاً آذربایجان و گیلان امروز محتاج است از اصلاحات یزد و کرمان سه سال دیگر حاجت خواهد داشت، پس طبیعت هم این خیال صحیح را کک نموده و مینماید و البته در این تقسیم اصلاح حال سنارتخانه های ایران را در ممالک اجنبیه که یکی از امور مهمه است با نظر و توجه مخصوص بحال سرحدات از مد نظر دور نباید گرفت که جزو قسمت سال اول و دوم محسوب گردد

عبارت مترض

یکی از وکلای اولیه شهر کرمان لایحه در باب قانون مشروطه ایران نوشته مخصوصاً تصریح نموده که باید مثل کرمان یزد را چند سال دیگر بهمین حالت گذاشت که آنها را غارت نمایند ادارات بلدی و عدلیه و فلان و بهمان میخوانند اول مرکز و چند شهر بزرگ را باید منظم نمایند بعد شهرهای متوسط بالاخره ممالک کوچک دور از مرکز مثل یزد و کرمان همه بزرگوار را میخوانند وکیل این مملکت نمایند که این ایالت بزرگ را هنوز قابل اداره کردن و انجمن و بلدی و نظمی و غیره نمیدانند یعنی باید چند سال دیگر زیر فشار ظلم ضبساط و اعمال باشد،

جناب مولانا باید بدانند که مملکت هر چه خراب تر است به اصلاحات محتاج تر است شعور و فهم و فراست اهالی بلوچستان و رودبار و گرمسیرات کلیه زیادت از اهالی سردسیر است همچنین فهم یعنی قوه دراکه و شعور اهالی کرمان زیادت از تمام اهالی ایران است حتی مرکز، بملت اینکه منابع هر قوم دلیل ذکاوت آن قوم است قالی در کرمان تمام می نمایند اطفال خورد سال يك ذوق صریح بکشد و بیست تومان در خود ایران می خرند بزرگترین منابع اروپا را بحضرت

علم باطنی درجه جاری و اطلاق بلوچستان را بموض
 تعلیم اسپری نمایند. جناب آقای وکیل در ره
 اولیه خوب است بموض این تحقیق میفرمودند، اول
 باید مأمورین با علم وطن پرست مشروطه خواه بی
 طمع با حقوق کافی روانه نمایند. در بنادر بلوچستان
 و خلیج فارس که دروازه ایران است ادارات داور
 و قانون مملکت را جاری نمایند. سپس در بلوچستان
 مسکه قابل ترقی فوق العاده هم بواسطه کثرت گندم
 گوان ممکن است افواج سواره و جازه سوار و معلم
 خانه و عدلیه و انجمن و غیره دایر نموده آنوقت
 به کرمان بردارند تا باخر.

نمیدانم صاحب مقاله بجه نظر در مندرجات
 ارمنان نظر نموده و کجای آن عبارت تصریح دارد
 اینکه یزد و کرمان و امثال آن نظمی و عدلیه
 و بلدی لازم ندارد یا از کجای آن می توان فهمید
 که یزد و کرمان باید در تحت فشار ظلم و استبداد
 بوده باشند و با کدام دره بین خیال عقیده نگارنده
 را ادراک کرده اند که یزد و کرمان را قابل حکومت
 اداری نمیدانند و کجای آن عبارت دلالت دارد که
 نگارنده با اهالی یزد و کرمان بدیده حقارت نظر
 کرده در صورتیکه نگارنده تمام ایران را از رود
 ارس گرفته تا بحر عمان و از شط العرب تا سرحد
 افغانستان یک خانه میداند و اهالی آن را یک اهل
 و دارای یک حقوق و یک شرافت.

و در آبادی بنادر و سرحدات هموماً و بلوچستان
 و سیستان بواسطه اهمیت آنها خصوصاً اهتمام مخصوص
 داشته و دارد و در دوره مشروطیت اول بی در
 بی دولت و ملت را ترغیب به آباد کردن سرحدات
 و بنادر خاصه این دو سرحد می نموده و می خواسته
 است که هر یک ازین دو محل دارای یک حکومت
 مقتدر قانونی مستقل بوده باشد تا بزودی مسکب
 آزادی نماید و در دو سطر آخر عبارت ارمنان
 تصریح نموده که توجه مخصوص بحال سرحدات و
 بنادر را جزو قسمت اول اصلاحات مملکتیه باید
 مقرر داشت.

و همه وقت بهوش و ذکاوت فطری و استعداد
 ذاتی اهالی کرمان خاصه در صنایع و پیشه ها معتقد
 بوده و انگار صنعتی کرمانیان را مخصوصاً در صنعت
 بافندگی در طهران اول مروج بوده و در توسعه

دایره تجارت و صنایع کرمان در ایران و دو خارج
 اقدامات کرده. پس جناب معترض یا دوست تصحیح
 در عبارات ارمنان نموده و یا بنظر دیگر نظر
 نموده اند.

و بالجمله چون اعتراض کننده ذیل مطالب
 خود را به بلوچستان و گرم سیرات کشیده بهتر چینی
 میدانم که عنان سخن را به آن طرف منعطف بنمایم
 بلکه در ضمن توضیحی هم از عبارت مجمل ارمنان
 که معترض را بشبه انداخته بنمایم

مسلّم است که بلوچستان یکی از ممالک وسیع
 ایران است. بلوچستان یکی از منابع ثروتمند بزرگ
 ایران است. بلوچستان یکی از ممالک حاصل خیز بلکه
 زرخیز ایران است. بلوچستان همسایه نزدیک هندوستان
 است. . . . بلوچستان منظره دارد که از اقصای
 غرب اشته تمدن جدید عالم از روزی آن منظره
 می تواند شرق و غرب ایران را روشن نماید

با این تفصیل که یک از هراسش گفته نشده
 طبیعت این طور آورده که آنچه امسال در خود
 کرمان از اصلاحات لازم است سه سال دیگر در
 بلوچستان لازم خواهد بود نه اینکه اصلاحات
 عاجله بلوچستان را باید سه سال دیگر انداخته
 خبر زیرا که هیچ کس چنین سخن نمی گوید بلکه
 می گوید اصلاحات لازمه کرمان در سال اول
 ایست که اول انجمن ایالتی صحیح حالی از هر گونه
 شائبه در آنجا دایر گردد. دوم یک نفر حاکم قانونی
 (یعنی کسیکه دست و پای او بسته بمحدود قانون
 اساسی باشد) در آنجا حکمران گردد. سوم اصول
 هوائی دولتی یعنی عدلیه و نظمی و بلدی و شعبه
 مالیه و مصارف و اوقاف و اداره قشون بدست
 رؤسای بی طمع محتجن مشروطه خواه تأسیس گردد.
 چهارم در دایره معارف چند باب مکتب ابتدائی
 و یک مدرسه متوسط با کلاسهای شبانه برای اکابر
 و یک مطبعه سربی و یک باب قرائت خانه عمومی ایجاد
 گردد. پنجم همت حکومت و حسن نظارت انجمن ایالتی
 از بدنه های دیرینه که همه موجب خرابی خانه رعیت
 بوده و از تعدیات عمال و پانشرین دیوانی جلوگیری
 شود تا رفتی به پوست فقرای فلک زده خون جگر خورده
 بیاید ششم شروع به تشکیل دو کپسالی بشود یکی با
 شرکت نجار طهران و یزد و کلانان برای ساختن و

صراحتاً رو نمودن راه از کاشان به کرمان و بالاخره تا بندر عباس و تعمیر نمودن منازل بین راه با مختصر لوازم و اسباب و اسب بستن در آن منازل برای سهولت حمل و نقل پست و مسافر

شرکت دیگر برای ترویج صنایع کرمان از بافندگی و غیره است. اصلاحات ممکن الحصول اولیه کرمان و اما بلوچستان اولاً باید بلوچستان و گرمسیرات متصل بکرمان را دارای یک حکومت مستقل نمود و اینک گرمسیرات را در این مقام جزو بلوچستان می‌کنیم نه‌رای ایست که بگوئیم همه وقت این‌طور باشد خیر زیرا که گرمسیرات خود استمداد دارد که بالاخره دارای یک حکومت مستقل بوده باشد ولی اکنون که راه ما بین (بم) و (بمپور) به تلگراف دارد نه پست و نه منزل گاه خالی از هر کوه آبادیست که اگر بود جلالت اجازه سواران زیر دست که کارقوه رقیه میکنند همان‌درجه که طهران از بلوچستان بی خبر است کرمان هم بی خبر بود و بواسطه خرابی (بمپور) که محل سکنی ندارد ناچار حاکم بلوچستان باید اکنون در بم که محل قوه نظامی بلوچستان است بشیند و بلوچستان و گرمسیرات هر دو را اداره کند و در حفظ فاضل مابین (بم) و (بمپور) پست و تلگراف دایر نماید و منزل گاه بسازد و اسباب آبادی (بمپور) را بطوریکه بشود اقامتگاه حاکم و روسای دائر دولتی و یک قشون مختصی منظم ساحلوی بوده باشد فراهم بیاورد، و رعیت بلوچستان را که از ظلم حکام ظالم سابق باطراف کراچی و بمبیره و مسقط و سایر سواحل پراکنده شده اند هر وسایله باشد جمع آوری کند و اسباب توسعه نواح را در بلوچستان فراهم آورد و امور سرحدی مکران و سواحل عمان را که خالی از اهمیت سیاسی هم نیست منظم نماید

و سرداران بلوچ را امنیت دهد و به آبادی مملکت و برور نیرت و حمیت ایرانیت تشویق نماید و سردار سعید خان و سردار بهرام خان و غیره منالاحالی کند که ممکن است بزمان کم ایران و ایرانیان بداشتن چنان سردار هندی نامداری در سرحد بلوچستان افتخار نمایند

پس از این بیانات معلوم شد که اصلاحات هر

کجا نسبت باقتضای وضع و ترتیب امروز انجام باید باشد، یعنی اطفال کرمان اسال مدرسه میخوانند و اطفال بلوچستان اسال امنیت و سکونت در آبادی و خلاصی از قید اسارت و بند از آن مکتب و مدرسه تا کارها شدنی باشد و بشود و گرنه برف انبار و لاف و گزاف و نشدنی و قول بی فعل خواهه بود، و باز به بانک بلند میگویم که تا کارهای شدنی را از نشدنی جدا نمائیم و هر یک را بمناسبت زمان و مکان و اقتضای وقت و اخلاق هر کجا تقسیم بامنده مختلفه نمائیم و بواسطه شروع بکارهای شدنی آسان بول و آدم و اسباب کار برای شروع بکارهای مشکل تهیه نمائیم طرفی برخواهیم بست و موفقیت حاصل نخواهیم نمود و تمام اینها فرع اتحاد و اتفاق با یکدیگر و تهذیب اخلاف و دور انداختن اغراض شخصیه است که ویرانی مملکت و پریشانی اعلی بواسطه همین اغراض شخصیه و بدکامیها و نفاق است و آبادی وطن و آسایش اعلی و کوتاهی دست تجاوز اجانب فقط در اتحاد و اتفاق

و در خانه سخن با کمال معذرت از این جسارت که خارج از سبک و سلیقه این بنده و دور از رسم ادب است بناچار عرض میدارم، این بنده را هرگز آرزوی وکالت و ریاست در سر نبوده و نیست و غیر از خدمت باستقلال ایران و سعادت آتیه وطن عزیز و نشر مآرِف که مفتاح فلاح و رستگاریست هیچ مقصود و منظوری نداشته و ندارم خود را حامی مظلوم و دشمن ظالم میدانم پست ترین کوجه های یکی از دعوات کوچک ایران را بر بهترین خیابان های وسیع دلکشای مزین ممالک آباد دنیا ترجیح می‌دهم و بقیه عمری را که با کمال نا قابل از روی صدق و صفا صرف خدمت بوطن نموده ام فقط قابل آتش میدانم که بتوانم بنیابت الهی خاری از پیش پای یکی از هموطنان خود بردارم و قدمی رو با آبادی این مملکت و آسایش اعلی آن بگذارم

نه از کسی اجر و مزد خواسته و می‌خواهم و نه نظری بفتح کسی دارم و می‌دانم که اگر شکوه بحرف مدعی باید داد صاحب غرضان سخن فراوان دارند

خادم ملت حاج میرزا محمد

باید فضیلت استقلال را بموم خلق

(تلقین کرد)

یکی از تکالیف بسیار بزرگ دانشمندان قوم آنست که شرافت استقلال ملی را بهوطنان عوام افشاء و اعلام کنند، خداوندان زبان و قلم برادران بیعلم و خبر را مخبر و مطلع نمایند مقام و منزلت استقلال را بشناسانند، آن طبقات پست یعنی کسانی که از حیث نروت و سامان به نصیر غلط از اعضای پست هیئت اجتماعیه محسوب میشوند باید بی بدین معنی برده خاطر و خیال را بر از تقدیس استقلال کنند اینان بجائی دسترس ندارند ضعف سرمایه و شغل مزعج روزانه مجالی برای مطالعه و تتبع باقی نگذاشته بلکه اکثر بیسواد و از فیض خواندن و نوشتن هم بی بهره و نصیبند، پس واجب میباشد آن طبقه بالا و بلند آنهاست که کم و بیش از احوال عالم با خبرند در هر مجلس و جمعی بهر وسیله که هست کیفیت را بشناسند و این دعوت و موعظت را تکلیف حتی خویش شمارند، درین آب و خاک همگی شریکیم و سهم میبریم ولی پیشتر از شرکا و صاحبان سهم بی علم و اطلاعند خبری از حقیقت امر ندارند بوظیفه و حقوق طبیعی خود واقف نیستند بمرور زمان هم گروهی از شیادان گمراه محض بر کردن کینه خویش نادانی و بیسوادی آن اکثریت عظیم را مقتم شمرده از حق بشری و میراث پدری غافل نموده افسار همه را بجائی بسته اند که هیچ دستی بجز دست مشکل کشای علم بدان جا نمیرسد

طریق تمییم علم محتاج بوقت و زمان است تهیه پول هنگفت و انتظار بمرور چهل پنجاه سال مریض محض ما را سودی نخواهد نمود، تدبیر سریع و عاجل هانا تلقینات و تشریحات غیرتمندان است و بس، پیش از (شورش بزرگ) ایران شاید در تمام پهنای مملکت هزار نفر پیدا نمی شد که فضیلت مشروطه و نحوست سلطنت مطلقه را بدانند، همینکه حرف سر زبانها افتاد و در خانه و خیابانها مردم بهمدیگر تلقینات نمودند يك فكر اجالی برای عموم حاصل شد و برای حصول مقصود کفایت نمود، حالا هم باید رعایت مجلس سور و سوک را کنار گذاشت طنجه و سر کوفت پاوه بجهان بیگانه دوست را کوش نکرد، در هر جا و در هر وقت از روز و شب

باید چند نفر را دور خود جمع کرد قدر وقتیت استقلال را بسط و شرح داد و مجرای خیال برایشان آن اکثریت را بسوی این مهم اکبر برگرداند مشروطه که در مقدم هایوتش این همه قربانی نمودیم و جویها ازخون جوانان دلیر جاری کریمیم و سیم و زر ما بدانمنش اقتسادیم بدون استقلال ملی به دو پول نمی اوزد

مشروطه و مجلسی که امروز دولت انگلیس بمصری ما میدهد اگر چیزی از تلقی اسارت آنها خواهد کاست مشروطه ما هم بدون استقلال ملی نافع و منفید تواند شد، استقلال گرامی و عزیز است از حوصله تصویر و محیط تصور و تقدیر بیرون و فزون است، هر ملتی که ازظمت استقلال محروم شد محو و معدوم شد، مردم (نیوا) و (آنور) با سطوت و شوکت آنچنانی همیشه از کسوت استقلال لغت و عور شدند چه شدند و کجا رفتند، ارمانه و یهود در زیر حاکمیت بیگانگان چه عظم و شان دارند، ممالک معصوم و مسابد مقدس آنها دست کی افتاد، ما بحکم عقل و شرع ماموریم که تاریخ و سنن ملل و اقوام گذشته را به بینیم و بخوانیم و از دیدن و خواندن آنها درس و عبرت بگیریم

تا ظهور انقلاب اخیر مقدرات ملی و حیانت استقلال قومی خود را غافلانه بدست مشتق خود فروش خودکام سپرده اسم آنجمع جاهل را دولت گذاشته بودیم

اما امروز همه چیز ما دنیا و آخرت ما دست خودمانست و باید حافظ و حارس باشیم آباد و معصوم کنیم احتمال می رود بازم بعضی کوه نظران بویژه آث بیسواد های پیچر بگویند نگهبانی نوع و کارهای عمومی خود را اکنون بکولای محترم سپرده ایم هرچه صلاح است بکار بندند و ملوا معذور شمارند، خیر این فکر و اندیشه بکلی غلط و بیجانی است، شما برادران گرامی در هر نقطه که هستید و در هر پاره از معرفت که میباشید حق وراثت و تکلیف وطن پروری از دوش شما ساقط نخواهد شد، هنگام کشتی گرفتار اگر يك قسمت بزرگ از اعضای وجود سقط و فلیج شود و معاضدت نکند یهلوان مغلوب مغلوب حریف میشود عظمت

سخته و وجود درین موقع بکار نمیخورد ملت ایران امروز در میدان فنا و بقا مشغول مبارزه است. شا براداران هزم که جزو مهم ملت هستید و اکثریت را تشکیل میدهند اگر همراهی فرمائید و حسن وطن خواهی را قدر ننهید از صد و بیست نفر وکیل و هشت نه نفر وزیر چه بر می آید، مگر نمی بیند همایگات طمع برای پانصد هزار لیرا مبلغ ناقابل خواجگی و سیادت شارا طلبیده، اختیار حکمرانی در اراضی میرانی شارا تقاضا نمودند، حالا دیگر هیچ عنبری از شا مسموع نیست، نمی توانید گفت که دولت پول ما را بگیرد و بفرنگستان رفته خرج میکند، حالا حکومت از خودمانست و کلا و برگزیده های ما دخل و خرج دولت را ناظر و مراقبتند، مصارف توی خانه ما و برای آرامش و آسایش ما صرف خواهد شد، هرگاه ندیم و همراهی نکنیم در میدان مصارعه و جدال و کلا و حکومت ما مغلوب خصم خواهد شد، استقلال و حیات ملی ما رو بقنا و زوال خواهد رفت لشکر این جنگ اقتصادی و سیاسی همت و حمیت تمام افراد ایرانی است، آفاق عزت، استقلال، خانه، خدان، دین، دولت، دنیا، آخرت، جمیع فضایل اجتماعی ما امروز در بازار هراج است، ما چه قدر بیرک و بیضیرت باشیم که همین قسم سنگین و رنگین به بشنیم و مبیاعه عرض و ناموس خود را تاشا بکنیم، تا پارسال، یعنی تا آوقته که سر ما گرم چرا بود بیگانگان ستمکار اموال و عوارض ما را بدستیاری تاجنسان ایرانی هراج میکردند، اما حالا چون دیگر چیزی در دستگاه و بشیزی در خرگاه نمانده اسارت و بندگی ما را هراج میکنند کار بجائی رسیده که اگر ذره تانی و تنبلی بکنیم و لحظه دیر بچنیم خویشتن را در زیر زنجیر اسارت اغیار و کشور اسلام را زیر بیرق کفار خواهیم دید، آوقت یعنی خدای نکرده آن روز بد را اگر درک کردیم هر چه تقلا بکنیم و فریاد بزیم آواز حزین ما بگوش مرحمت کسی نخواهد رسید، دست و پا زدن زیر هزار من خاک فایده و سودی نخواهد بخشید

هان ای برادوان عزیزه، به تبدیل حکومت و تحصیل اسم مشروطه قانع مشوید، مقصود از مشروطه این نیست که تنها آشیانه ظلم و ستم و پران و بجای

آن اداره عدل و داد آباد شود، این معنی هم یکی از خواص آن کلمه مبارکه است غرض اصلی و کلی مقصود تامین حفظ استقلال ملی است. آنچه میسر نشود مگر با شرکت تمام افراد ملت در سهام امور مملکت. هشتاد و هشت است هیئت وزرا تقاضای استقراض میکنند حوائج و ضروریات ملکی فریاد و احتیاجه میباید باید کوش کرد و این دعوت جمیع را با جان و دل اجابت نمود، من منکر استقراض از خارجه نیستم ولی در مقابل سخت گیری حضرات در مقابل آن بی اعتباری ها که وزرای سابق از در جهل یا از راه خیانت برای امضای دولت فراهم آورده اند لازم است که ملت اعتماد و امنیت خود را بحکومت طاهر کند به دور و نزدیک اثر حیات و نشانه مالکیت را نشان دهد، همیشه ما مهر و سند خود را حرمت کردیم و معتبر شناختیم هم مقداری از عوائل داخلی رفع میشود و هم در صرافخانه های فرنگستان کسب اعتبار نموده هنگام رجوع ککفالت اسکلیس و روس را طلب نمیکند و با امنیت کامل آنچه میخواهیم بی مضایقه و ابتاع مشکلات میدهند. صورت گرفتن استقراض داخلی از جمیع رشادتها که درین اواخر بنعمه شهود رسادیم بالاتر و گرامی تر است، ملت باید هر تسهیل این مسئله بدر وسع بگوشد و آبروی چندین هزار ساله را بخاک مذت بریزد. اینک دشمنان ترقی و استقلال ما عینک گذاشته از دو طرف نگاه میکنند به بینند ما چگونه امتحان خواهیم داد، از محک دینداری و مملکت پروری رو سینه بیرون خواهیم شد یا رو سیاه، با حکومت جدید مخالف خواهیم شد یا همراه لابد برای وصول مقصود هم با بعض از دشمنان حاجی و همچنان خود سروکار و راه مغایره هم دارند تا بدستیاری ایشان رعیت را از دولت دلسرد و دولت را در پیشرفت امور سست و مایوس کنند و بالاتر از همه احکام واجب الاطاعه حجج عقبات را که مکرر در وجوب قرض دادن و اعانه بحکومت عن صدور یافته بی نتیجه و اثر گذارند

شنیدم یکی دو نفر در اصفهان آشکارا و پنهان مردم را از اعانت و اقراض بدولت منع میکردند، املاک شاهزاده ظل السلطان را که در سند منوی ابله وزارت داخله امیرزا بھی

نموده بود. حضرات با نوشته های جعلی باین و آن و فرزندان ظل السلطان مبه و مصالحا مینمودند. این حرکات شنیع را بنده بهیچ وجه نتوانستم باور کنم و هضم احترام و ادب نام گرامی است دو بزرگوار را نمیرم ولی اگر آن اسنادات درست و صحیح باشد قو بر غیرت و حیت این چنین اشخاص گمراه ، نفرین بر جانش این آوه دینداران و الله جای شکفت و محل تعجب و حیرت است درین موقع سکه سرباز روس پشت دروازه طهران رسیده سمت شمالی مملکت با حالت ترکستان همطالع شده استقلال دولت و ملت بموئی آویخته دو ثلث جراید فرنگستان با سیاست ایران اشتغال ورزیده اند دوستان ایران و ایرانیان و ملتخواه سر بگریبان فکرت فرو برده و از عاقبت امر مانند پید مبلرزند. روس و انگلیس و آلمان آستین ها بالا زده در محن کاستان طهران با دین و دولت ماگویی و چون بازی میکنند. خیلی فراشت بال و فقدان حس و انفعال میخواهد سکه بعضی از پیشوایان ما و مدعیان مقام روحانیت بدین گونه کردار های ناشایست سرگرم شوند و موقع منزلت ریاست و ملت خود را ابدأ منظور ندارند. مگر شما بزرگواران فرزند ایران و رابطه با آب و خاک آن ندارید؟ مگر شما مسلمانان و هجوم آورندگان نمود دشمن اسلام نیستید؟ آخر نظری باطراف خود کنید به بیند چه بلا های فجیع چه سیل های مریب بسوی همه چیز شما متوجه است. بایستی شما از راه دلسوزی بدین و دولت شب و روز مشغول رساله نوشتن و مقاله برداختن باشید مظلومیت ملت خود را بگوش خلق دنیا برسانید و در بلاد داخله خرد و بزرگ را با اتفاق و اتحاد بخوانید برفع اختلاف و نفاق بکوشید همه را بهیچای حکومت حاضره که حکومت ملی است تشویق و تحریص فرمائید.

بیگانگان یعنی بعضی از فرنگی های آزادی طلب وقت و پول صرف کرده حقوق ما را در رسایل و جراید فرنگ مدافعه میکنند. باستیلائی ناحق دولت روس اعتراض و ملامت میانند یعنی وظیفه شما را بجای می آورند و شما غرق شخصیات شده اجرا آن حکومت را مانع میشوید کرد. دور همی و اتفاق با دولت باز بیدارید متنه شده تسلط مسلک کنید

وقت است که تاسی بجمع اسلام عتبات نموده و صایا و اوامر آن بزرگواران را واسطه اجرایی شوید. وقت است که اهل وطن را بدون تفریق جنس و مذهب بمحفظ و حراست مملکت دعوت بنمائید. وقت است وقت که پیشک همت و حیت مخصوص و ترک همه چیز گفته کشور اسلام را از استیلائی اجلب محفوظ دارید و نام نیک خود را بی لکه و لوث دو سینتر احترام تاریخ و دیده گذارید

علی اصفهان

شاه سومین کتاب آبی در انگلستان (راجع به سیاسیات ایران)

جلد سومین کتاب آبی راجع به سیاسیات ایران که تازه بطبع رسیده است با این ریت اداره رسید. این کتاب جدید که از طرف دولت انگلیس بطبع رسیده است وقایع ایران را از ۱۱ ماه می سنه ۱۹۰۹ الی آخر نومبر سنه ۱۹۰۹ شامل است. یعنی از زمانی که عساکر ملی از شمال و جنوب بست دارالخلافه حرکت نمودند و سفارتین انگلیس و روس میانگیری نموده حضرت سهداواعظم و سردار اسعد را میخواسته ازین قصد منصرف نمایند و بمحمد علی شاه اصرار داشته که زود تر استرضای خاطر ملت را فراهم آورد و وزرائی که طرف اطمینان ملت باشند معین کند.

اول تلگرافی که در این کتاب می بینیم بتاریخ ۱۱ می سنه ۱۹۰۹ از (سرادورد گریس) وزیر امور خارجه انگلیس بوزیر مختار انگلیس در طهران است. و امتناع جناب ناصر الملك را از مراجعت بایران خبر میدهد. و این بدیسی است همان اوقاتی است که محمد علی شاه باصرار دولتین مجبور به تعیین وزرای جدید شده و جناب ناصر الملك هم بملاحظات معلوم امتناع داشته بایران بروند. الحق از راپورتهای وزیر مختار انگلیس تمام وقایع آن اوقات در کمال خوبی معلوم میشود. جنرل قولسل آقای روس و انگلیس مقیم اصفهان که بحکم سفارتهای خود در تمام سردار اسعد رفته بودند. در قم بایشان رسیدند. حرفشان این بود که چون محمد علی شاه و رام دولتین را قبول نموده است و پارلمان باز شد دیگر خوب است سردار بطهران نرود در اسعد جواب داده بود که معلوم نیست پارلمان

دایر بشود، برای اینکه هیچ يك از اجزا جرئت نخواهند کرد حاضر بشوند و تشکیل پارلمان و اصلاحاتی که فشار و مداخله خارجیه بشود چیزی است که ملت نمی خواهد

از طرف دیگر مترجم سفارت روس و آطاشه نظامی سفارت انگلیس به سکرچ رفته با سپهبدار اعظم ملاقات نمودند و اظهارات آنها و جواب سپهبدار تقریباً بمضمون مذاکرات با سردار اسعد بوده، بعد شرایط همتگانه را که همه میدانند دو سردار ملی توسط نمایندگان سفارتین تکلیف نمودند و برای قبول و رد آن ۲۴ ساعت وقت دادند

بعد میرسیم بحمله قشون ملی و شکست قشون دولتی و ورود عساکر ملی بطهران و مذاکره دولتین در باب رفتن قشون روس بطهران نظر بخطر که براسی خارجیه ها متصور بود، در اینجا می بینیم که اگر بواسطه ضدیت دولت انگلیس نبود قشون روس بطهران رفته بود، باین مناسبت خلاصه ترجمه تلگرافی را که وزیر امور خارجه انگلیس بتاریخ ۳۰ ژون به ژارژ دفر انگلیس در پترزبرگ نمود ذیلاً درج مینمایم

« امروز در ضمن صحبت با سفیر کبیر روس بمعزی الیه گفتم یقین دارم هر قدر مداخله خارجیه در امور ایران کمتر بشود بهتر است، اگر استعداد نظامی روس طهران را متصرف بشود شکی نیست که از عهده حفظ انعام برخوردار آمد ولی نتیجه این خواهد بود که تمام ایراییرا تصور خواهند نمود که شاه فقط بهراهی قشون روس مستطهر است و تمام مملکت شورش خواهد شد »

پس از آن می آیم بتلگراف ژارژ دفر انگلیس مقیم پترزبرگ که وزیر امور خارجه انگلیس را مطلع میکند از اینکه مجلس وزرای روس مصمم شده اند استعداد نظامی قزوین بفرستند بشرط آنکه بطهران نرود، و سفیر کبیر روس مقیم لندن بتاریخ ۵ ژولیه یاد داشتی در اینباب بوزارت خارجه انگلیس داده و مناد آن این است که چون بموجب اطلاعاتیکه بدولت روس رسیده اتفاقات ایران سفارتها و اتباع خارجه و همچنین راه طهران و رشت را بمخاطره انداخته لهذا دولت روس بر خود واجب دانسته که فوراً يك فوج قزاق و يك با طالبیون بیاده نظام و

يك باطری توپخانه از بادکوبه بانژی فرستند و این دسته قشون از قزوین تجاوز نخواهند نمود و در تحت حکم سفارت روس در طهران و حرکات آتیه او بسته بوقیوت آتیه خواهد بود و بسر سکرده قشون دستور العمل داده خواهد شد سکه فقط مقصود این قشون باید حفظ سفارتها و ادارات و اتباع خارجه باشد و از هرگونه مداخله در امور سیاسی و هرگونه امور داخله ایران احتراز نمایند، قشون روس فقط تا وقتی در ایران خواهد ماند که جان و مال نماینده های روس و سایر نماینده و اتباع خارجه و ادارات خارجه بکلی در امان نباشد، و از تلگرافات وزیر مختار انگلیس که در این موقع متواتراً بوزارت خارجه انگلیس میرسید از محاربه بین ملتیا و دولتیها و از ورود ملتیا به طهران و فرار بعضیا بسفارتها میتوان کاملاً اطلاع حاصل نمود، در تلگراف ۱۶ ژولیه بنام ردفن ملکه ایران را در سفارتخانه روس خبر میدهند، همان روز در تلگراف دیگری از رفتن خود شاه بسفارت روس دولت خود را مطلع میدارد

بعد میرسیم به تعیین وزرای جدید و تسلیم کرنل لیاکوف و قزاقها و اعلام خلع محمدعلیشاه و انتخاب سلطان احمد شاه و تعیین ولیعهد و نایب السلطنه، در تلگراف ۱۷ ژولیه وزیر مختار بدولت خود خبر میدهند که طهران بکلی آرام است، پس از آن امور بتدریجاً بحداده معمولی می افتد و مذاکرات همه بین دولتین راجع است بمشله جواهرات دولتی و قرار قروض و مستوری شاه مخلوع و حرکت ایشان از ایران و خروج قشون روس از ایران، در این مشله می بینیم که دولت ایران خیلی تاکید نموده و از دولت انگلیس هم الحاق همراهی بعمل آمده است، ولی دولت روس هر دفعه عذر آورده است که هنوز آرامی کامل برقرار نشده و میترسد اگر قشون خود را ببرد مجبور شده باز مراجعت بدهد، تفصیل مذاکرات خود را در این باب با وزیر ایران در لندن (مشیر الملک) وزیر امور خارجه بطور ذیل بوزیر مختار انگلیس مقیم طهران مینگارند

وزارت خارجه ۱۷ ماه اوت سنه ۱۹۰۹

آقای من

وزیر ایران امروز بملاقات من آمد، در باب

احساساتی که طول ایستادگی قشون روس در ایران و خصوصاً در قزوین تولید کرده است تأکیدات و اظهارات خوری نمود. شکایت نمود از اینکه حرکات قشون روس در قزوین اسباب خیال شده است که شاید بخواهند بطرف طهران بروند زیرا که قرار دادماند اردوی خود را بمسافت هشت میل نزدیک تر بپهران برند. در صورتیکه شرایط حفظ الصحة محل احوالشان خوب نبوده میتواند در کمال آسانی اردوی خود را قدری بآن طرف قزوین بسمت وشت حرکت دهند

من بوزیر ایران گفتم که اینها مطالبی است که باید بین دولتمندان ایران و روس مستقیماً مطرح مذاکره بشود. ولی میتوانم بایستادن بگویم که وقتی وزیر خارجه روس (میو اسوالسکی) در لندن بود اظهار میل نمود به اینکه قشون روس را از ایران احضار نماید و توضیح نمود که اشکال کار در این است که هیچکس نمی تواند مطمئن شود باین که هنوز انتظام بطور محکم برقرار شده باشد عقیده (میو اسوالسکی) این بود که خیلی بد است هرگاه قشون احضار شود و بعد لازم شود مجدداً برود و نمی خواهند که چنین اتفاقی بیفتد با وجود اینکه خیلی از اتباع روس اظهار توهم نموده بودند و بدولت روس اصرار کردند که قشون بطهران برستند دولت روس هنوز باین توهمات تسلیم نشده است و خود داری ایشان از این اقدام از روی حق بوده است ولی هنوز در ایران خیلی اعتناش هست. مثلاً شکایتهای زیاد از جنوب ایران هم میرسد در باب خسارتهای وارده به تاجران انگلیس و در باب ناامنی راه ها اگر همین نوع شکایتها از شمال بروسها برسد برای آنها مشکل است قشون خود را احضار نمایند بوزیر ایران نیز گفتم که دولت متبوع ایشان باید اقدامات لازمه را با دولت روس مستقیماً مذاکره کنند اگرچه کان دارم و احتمال هم میرود که بعد از اتمام اغتشاشان که شده دولت روس نمی خواهد در اینباب تصمیمی بماند قبل از آنکه از میو (پاکوسکی) وزیر مختار جدید روس (اطلاعات بوی رسد و منتظرانند که بعد از ورود خود بطهران میو پاکوسکی را بفرستند بدین

بوزیر ایران استدلالت خیلی قوی در باب

استقرار انتظام در ایران نمودند من گفتم شکی ندارم که اگر وضع مثل حال بود دولت روس نمی توانست قشون بفرستد. ولی چون قشون شان در آنجا هست میترسند احضار نمایند قبل از آنکه مطمئن شوند که اوضاع بهمین خوبی خواهد ماند (امضی) ی - گری

تاریخ ۱۰ اکتوبر سنه ۱۹۰۹ وزیر امور خارجه انگلیس در مراسله خود بنیزر کبیر انگلیس مقیم پترزبرگ از صحبتی که با سفیر کبیر روس مقیم لندن (قبل از حرکت مشاوران به سمت پترزبرگ) نمودند اطلاع میدهد و میگوید من بنیزر کبیر معزی الیه اهمیت تخفیف عده قشون روس را در ایران خاطر نشان نمودم. سفیر روس جواب داد که اوضاع هنوز بکلی آرام نیست. من گفتم نمیگویم بحال تمام قشون را ببرید اگرچه خیلی خوشوقت میشدم هرگاه عقیده روسها چنین اقدامی ممکن باشد. حاکم تبریز به نظر میآید حقیقتاً آدم خوبی است و ممکن است با روسها موافقت کند. و من متصل بایرانها خاطر نشان میکنم اهمیت حفظ حسن روابط با روس را ولی توقف این همه قشون روس اسباب تکدر خاطر ایرانها میشود.

سفیر کبیر روس پرسید آیا در این اواخر شکایتی از طرف ایرانها بشما شده است؟ جواب دادم نازکی نشده است برای اینکه هر دفعه وزیر در لندن اظهاری در این باب نموده اند جواب داده ام که خوب است این مسائل مابین ایران و روس قطع و فصل بشود. ولی سفیر روس توضیح کردم که پس از آنکه مجلس ملی ایران منعقد شد هرگاه دولت ایران بتواند بمجلس بگوید که تخفیف کلی در عده قشون روس شده است این مسئله بدون شك اثر خوبی در احساسات ملت ایران خواهد نمود. و ایرانها آن را گواهی خوش قولی روس خواهند داشت و برای آنها آسان تر خواهد بود که اطمینان و دوستی با روس نمایند.

بنیزر کبیر معزی الیه گفته این اظهارات را در ایوانق بایشان نمودم که وقت به پترزبرگ وارد شدند اهمیتی را که من باخطلب میدهم بدولت روس خاطر نشان نماید. از قراریکه شنیدم ام وزیر مختار روس در طهران اظهار عقیده نموده

و برادر زن شامزاده ظفرالمطهراتت حکومت بلخ و
و دشتی و دشتستان را دارا و عنقریب با بستگان
کافی خواهد رسید. نبدانم دویایگی نیابت حکومت
اورا قبول بکند یا نکند

(شکوفه تازه)

طرفداران حکومت بمعاونت چند نفر بزور می
خواهند بوشهر را محل مرض طاعون قرار دهند و
بوسایل این جعلیات را قوت داده منتشر مینمایند
که رضت الدوله را ترس برداشته بمركز مأموریت
خود وارد نشود و بلکه استعفا دهد - این نیرنگ
جدید را کسی درخاطر نداشت اطباء و آنانی که از
فن تشخیص این مرض هم گونه مهارت دارند
تا کنون وجود مرض طاعون را در بوشهر تصدیق
نموده اند، ولی کلانتر و اعوان و انصارش برای
حصول همان مقصود این مسئله را خواه بخواب در
اذهان عامه جای داده و میدهند - خداوند حافظ
امور را ختم بخیر و انجام مقاصد ملت خواهان فرماید

عمره

موافق معمول سنوای (حاج رئیس) پیشکار
حکومت (عمره) محض ملاقات و مذاکرات با
خوانین عظام بختیاری عازم (رامهرمز) شد و
پس از چند یوم (سردار ارفع) با کشتی های
(بهمن شیر) (کارون) (ایران) (ناصری)
عزیمت کارون نمودند

جناب آقای حاج سید محمدعلی داعی الاسلام که
موقتاً از (هندوستان) حرکت بطرف وطن و
(اصفهان) نموده اند به عمره آمده در منزل آقا
(میرزا نصرالله خان) منشی بانک شامشاهی پسر
جناب (محاسب الدوله) نازل و هیته و با
هرکس از لزوم علم و تربیت و ترقیات عالم اسلامیت
گفتگو میکردند، منجمه مخصوصاً روزی در مدرسه
(خزعلیه) محفل مرتب گردید و در حالتیکه
(اعتلاء الدوله) کارگذار و حاج (ناصرالتجار)
و حاج (مشیرالتجار) و (آقا سید عبدی)
نایب الحکومه و جمعی از اعزّه و همگی معلمین
و متعلمین حضور داشتند لطف مفصل مفیدی در آن
خصوص داده و همه را از مواظط حسنه بهره مند
سکرده ، علاوه محض تشویق و تحین مبانی
اطاقه فندی بنک نمودند که الحقیقین و سوره پائین

که ممکن است تخنیتی در عده قشوق داد ،
احتمال دارد حالا هم همه چیز بخوبی انجام
بگیرد ، ولی اگر این طور نباشد و سفیر
کبیر معزی الیه رواند در پترزبرگ بگوید
من قبل از حرکتشان از لندن میشان در این باب
صحبتی کرده ام اهمیتی را که من باین مطلب میدهم
شاید تفهمنند

(امضی) ی - گری

صورت تلگراف طهران بولایات

(۲) حکومت جلبله و انجمن ایالتی بموجب قانون
سیم ربیع الاول که از مجلس مقدس تصویب شده
انحصار استخراج کلیه معادن نمک مملکت ایران با
دولت است و همه نقاط مأمورین مخصوص روانه
خواهد شد. عجالتاً تا رسیدن مأمور آدم امینی
کلیته معادن نمک که در قلمرو حکومت است ضبط
نموده قیمت آرا در سر معدن از قرار منتالی
یکدینار که قانوناً مقرر داشته اند دریافت دارد و
نگذارد احتکاری بکنند - و عمل کرد به مأمور
اداره مرکزی نمک تحویل شود ، هر کس احتکار
کرده باشد از قرار قیمت قبل از انحصار بدولت
بروشد نتیجه اقدامات را منتظر است

وزیر فواید عامه - مرتضی قلی

تشکیل قرائت خانه مبارکه در کربلا

بموجبیکه اطلاع یافته ایم بهمت و تأیید هیئت علمیه
کربلا معلی یک باب قرائت خانه عمومی که بزرگترین
اسباب نشر معارف شناخته می شود تشکیل و در آن کتب
علمیه و فیه و ادبیه و غیره و جرائد از هر قبیل موجود و
مربها خواهد شد - مؤسین قرائت خانه مبارکه را
ازین حسن نیت و خدمت بمعارف تبریک گفته مزید
توفیقات شایسته را از حضرت رب العزت مسئلت
مینمایم و با کمال اهمیت جلب توجه معارف پژوهان
اسلامی و ارباب جرائد را منعطف می داریم که از
فرستادن کتب و جرائد در این قرائت خانه مبارکه
که بهترین خیرات و مبرات در نشر معارف شناخته می شود
کوتاهی نفرمایند و کیل ماراست که یک نسخه جبل المتین
بقرائت خانه مبارکه هر هفته تقدیم نماید

(تبدیل حکومت بنادر)

بموجب اخبارات واصله شامزاده رفعت الدوله
بپسر مرحوم رکن الدوله که برادر رکن الدوله حایه

برای ماموریت غنیمت است

حرکت عظیم کینی که از (سویان نظیف) پاشا والی (بصره) به شهر و ظهور و بمبادی (برعکس نهند نام بزنگی کافور) آمده اداره نامه مقدس صیحه مرآت حقایق نهای اعیان داخله و خارجه است خصوصاً و خاطر مطالعه کنندگان محترم نیز جموعاً مستحضر است، فقط نغمه آخری این است که گویا وجدان حضرت ولایت بنامی به این راضی نشد و این حدود که سالهاست امن و آسوده بوده به آن حال بماند لذا عزم جزم در ایجابات مشغله برای اولیای امور طرفین فرموده اند و (محمد کثافت) که از طایفه سردار ارفع (شیخ خزعلخان) و تبعه دولت علیه ایران است عنوان اتالی به او بسته و نام تابیت عثمانی گذارده عسکر و کشتی جنگی موسوم به (مرمریس) را فرستاده به اسم اینکه خانه او که در (زین) و خاک عثمانی و ملک سردار ارفع است توپ به بندده خانه جی بی گناه تبعه ایران را خراب و غارت کرده است که ظاهراً اثبات تهمت و ادعای تابیت هم موقوف به تحقیقات مشترکه و مراجعت به پایتخت های دول اسلامی بوده و بعد از تمام آنها هم این حرکات نامنجان که باعث سلب آسایش حدود است خلاف قانون و بی جا و تحمل فرسا باشد، چنانچه طوایف ایرانی فوق العاده میجانی نمودند و حاج (میرزا حمزه خاٹ) که از طرف سردار در محرم بودند به زحمتی از غلظت غایبه و خونریزی جلوگیری کردند و عجب تر این است که به سلیقه استبدادیه والی این نیز کافی نبوده محرم را هم تهدید نموده صیحه (سردار ارفع) در جواب گفته اند، این اظهارات و معاملات بی رویه در حقیقت اعلان حرب بدولت علیه ایران است، و اگر يك والی را همچو اختیار و حق است باید خود او بطهران اخبار جنگ نماید، فقط سردار خود و طوایفی که زیر اداره دارد البته حسب الوطیفة تا آخرین قطره خون تا کالت نمیگذارد در این حدود تجاوزی واقع و قدر سر مو حقوق تضییع شود (شب آبتن است تا چه زاید سحر)

(سراج رئیس) از (وامهرمز) به (کارون) و خدمت (سردار) و از آنجا به محرم آمده به حدود

(محرم) و (بصره) سرکشی کردند و باز مراجعت پیکارون میکنند کلیات کار های این حدود سردار و مراقبات حاج (میرزا حمزه خاٹ) در کمال انتظام و امور شهری نیز بمسای (آقای عبیدی) نایب الحکومه قرین نظم است، و بواسطه وجود این سردار نامدار قلوب هرکس مطمئن است و از توپ و تیپ آثار وحشتی بیدار نیست (اشتلاءالدوله) کار گذار عربستان و آقا (میرزا محمد علیخان) شهیندر بصره هم به دقایق و مطایب خود از مواظبت فرو گذاری ندارند تعیین (مبشر هیون) بریاست تلگرافخانه های (عربستان) نیز نتایج نیکو تواند بخشید و بالتسبه خیلی منظم گردیده است

چون حاج (ناصرالتجار) سابقاً که در محرم متصدی امر بلدیه بوده حسن اعتقاد اهالی را نسبت بخود جلب نموده است طن قریب به علم در این است که مجدداً مشارالیه بریاست این کار انتخاب و اختیار شود و ظاهراً از ایشان اولی و انسب تری نیز به نظر نمی آید و امید است با مقتضیات عملی این ترتیب به احسن وجهی اداره و پیشرفت گردد

حجراتش

ما کثافت کاریهای حساب والی را محض جلب توجه اولیای دولت علیه نماییه و مجلس شورای اسلامی اسلامبول انشاءالله در آیه خواهیم نگاهت عجب این است که جناب والی مراعات اخوت اسلامی و لزوم اتحاد امروزی مسلمانان را درک نکرده افعال خویش را بر ضد این نکات دقیقه ظاهر میدارد و مادر چنین موقع نازک صلاح دوتین اسلام را در بقایه اینگونه مأورین و انکی در سرحد ابداً نمیدانیم و یقین داریم که اولیای دولت علیه عثمانیه توجهی حاس درینوقع خواهند فرمود -

(سر چشمه باید گرفتن به بیل)

(چه بر شد شاید گذشتن به بیل)

تکراف رست به ولایات

عموم انجمنهای محترم ایالت و ولایتی دامت تا ئیداتهم اهالی ایالت سرحدی از طول اقامت قشون دولت همسایه در داخله ایران قسمی ملول و مکدر شده اند که رسماً بانجمن اقدس اطلاع دادند که ما اهالی فردای دم عموماً با بیرق های کوچک سیاه

از کوچه و بازار عبور کرده در سبزه میدان مجتمع میشوند باید شها که نمایندگان مملکت ما هستند در آن نقطه حاضر و حاضراً مشاهده کنند که از لوازم عید سعید قومیت ایرانیت شش هزار ساله که یک هزار و سیصد و بیست و هشت سال است بسمت رسمیت مذهب هم مشرف گشته دست شسته اظهار مسرت و ابتهاج و عشرت را بسوگواری مبدل کرده ایم و متعهدیم ما دامیکه این قشون در داخله مملکت ما هست بهمین منوال مرتبتهای قبل خود مان را بعملیات سوگواری آشکارا داریم و از شها ما میخواهیم از این حال مشاهده فعلی را بضمیمه حسابات قلبی تمام دنیا از داخله و خارجه ابلاغ نمایند با احوال نمیدانیم اهالی آن مملکت در این باب چه فرموده و چه اقدامات دارد (انجمن ایالتی گیلان)

حرف خراب انجمن ولایتی یزد

از آنجا که امروزه تمام افراد ملت ایرانیان بنائیدات غیبیه امام زمان عجل الله فرجه یکنکل و یکجانند تمام افراد بلوازم اتحاد عرق اسلامیت و ایرانیت تا آخرین نفس تمام قوی در مساعدت و همراهی با مقاصد حق و حفظ حقوق و حدود یکدیگر حاضرند لذا بمجرد استشمام رایحه افسردگی و کدورت و ملالت برادران وطنی لوازمات و مراسم عیدیه که از اعیاد عظیمه و عادات قدیمه ما ایرانیان بود بالمره متروک بلکه مبدل بمزاداری و سوگواری کردند، و در تدارک نصب بیرقهای سیاه در دکا کین و زیر خانهای خود هستند، تا تاسنات قلبیه خود را مشهور طلبان دارند، مترصد سایر اقداماتند تا هم آواز باشند، چگونه سازش دارد با یکدوره غیرت و حیت در همچو موردی فردی از افراد ایرانی نژاد متقاعد و ساکت باشد، عموم دیبقات حیسات ملیه خود را تلگرافاً بمركز اظهار و رفع این غائله فحیمه را جدأ خواستار (انجمن ولایتی یزد)

تلگراف از یزد بمجلس مقدس

توسط حاجتین آقای آقا سید علی آقا و آقا شیخ محمد حسین یزدی دامت برکاتهما بمقام منبع مجلس مقدس شیدالله ارکانه و حضرت وزیر داخله دامت شوکته در اینموقع بتزوک داشتن مراسم عید ملکیه و تبدیل عید بمزا و سوگواری و ارا و مشهور داشتن حسابات ملیه و اتحاد و یککل و

جان بودن ایرانیان تمام دول و ملل خیرطالم متأسفانه واقعه حیرت انگیز شب گذشته چهلوادم قریب چهار ساعت از شب گذشته پنج نفر مجبول جناب مستطاب ظهیر الاسلام آقای آقا سید حسین طهرانی را که از اعضاء ممتاز وطن خواه انجمن ولایتی میباشد با وصف امنیت عموم بدون هیچ سابقه و عنوانی مضروب داشته یقین است اقدامات لازمه بندگانه حضرت اشرف دام اجلاله رفع انتظار عمومی خواهند فرمود (انجمن ولایتی یزد)

تلگرافات از علما و تجار و اصناف هم در تروک مراسم عید رسیده و جواب از هر طبقه بر تاسی و حاضر بودن در بذل جان و مال و اقدامات در تروک استعمال اتمه و غیره شده است

کرمان

در اول سال و عید نوروز اخبارات متأسفانه تلگرافی از ائتاب بلدان ایران بکرمان رسیده، یکی در باب توقف قشون روس در شهر های شمالی، دویم در باب قرض دولت که وزرای ایران پیشنهاد مجلس مقدس نموده بودند، بقسمی این اخبار عم انگیز قلوب عامه را افسرده نموده که بالکل از ترتیبات این عید رسمی صرف نظر نموده هیجان فوق العاده در عامه ملت کرمان بهم رسیده مثل سایر اوقات بکسب و کار مشغول، دید و بازدید بالکل متروک شده انجمن ایالتی دعوت عمومی نموده تلگرافات تمام بلدان و تلگرافات که از مقام منبع حجج اسلامی رسیده بود گوش زد قاطبه ملت نمودند علاوه بواسطه اعلانات در شهر و بلوکات انتشار داده اغلب برای دادن اعانه حاضر شده لکن در اینموقع بعضی قضایای غیر مترقبه اتفاق افتاده که توجه عامه را از این امر سلب نموده و بخود مشغول شدند، سه چهار روز لاینقطع باران و تروک باریده در شهر کرمان چون باران بود عمارات کهنه را خراب کرده لکن در بلوکات خاصه رفسنجان آثار طوفان نوح ظاسر شده سیل ذخاری که نه فرسخ عرض آن بود حرکت کرده تمام قنوات را طافیه و خراب کرده مرار خانه در بهرام آباد مسکه حاکم نشین رفسنجان است فقط ده خانه دوکان باقی مانده دیگر همه خراب شده یکصد و هشتاد پارچه قنات را طافیه نموده تمام زراعت آنها را یا سیله برده یا زود کل